



ایرانگردی و جهانگردی در آئینه سفرنامه ها و اسناد

پدیدآورده (ها) : مرسلوند، حسن
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: بهار و تابستان 1373 - شماره 13 و 14
از 6 تا 36
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/97432>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 28/07/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



ایرانگردی و جهانگردی در آیین سفرنامه‌ها و اسناد

حسن مرسلوند

اگر بخواهیم تاریخچه‌ای بر ایرانگردی و جهانگردی بنگاریم، ناگزیریم که آن را در دو بخش جدا، یعنی «ایرانگردی» به مفهوم آمدن سیاحان و جهانگردان بیگانه به ایران، و «جهانگردی» به معنای سیروسیاحت ایرانیان در کشورهای بیگانه، مورد پژوهش قرار دهیم. تلاش ما بر این است که بر پایه اسناد و مدارک موجود، وضعیت بیگانگان ایرانگرد و ایرانیان جهانگردی را تا آن جایی که در چنته هست، مورد مطالعه و سنجش قرار دهیم. یکی از بهترین منابع راهنما، سفرنامه‌های موجود است که نشان می‌دهد، تاریخچه مکتوب ایرانگردی و جهانگردی از کجا آغاز و به کجا انجامیده است. گرچه سفرنامه‌ها نشان می‌دهند که در ابتدای کار هم ایرانگردی و هم جهانگردی هر دو بیشتر جنبه سیاسی و یا تجاری داشته و جداسازی این امور از «سیاحت» که موضوع بحث است، کار چندان ساده‌ای نیست. ولی تلاش خواهد شد که سفرهای سیاسی و تجاری را به خوانندگان شناسانده و در ضمن با مطالعه سفرنامه‌های سیاسی - تجاری، جنبه جاذبه‌های سیاحتی را هم که از چشمان کنجکاو این‌گونه سفرنامه‌نویسان دور نمانده، مورد مطالعه قرار گیرد.

بخش نخست: «ایرانگردی».

پس از انقراض پادشاهی ساسانی، شاید

سیاحان عرب، اولین دسته از جهانگردانی باشند که نظرشان به ایرانگردی معطوف شد. از تازیان سیامی که سفرنامه نوشته‌اند، اگر از «ابودلف مسعر بن المهلهل الخزرچی» که سفرنامه‌اش مورد تردید قرار گرفته و «ابن فضلان» که شرح بسیار کوتاهی درباره ایران دارد، بگذریم، می‌توان ابن بطوطه را بارزترین ایرانگرد این دوره شناخت. شرف‌الدین ابوعبدالله محمدبن عبدالله محمدبن ابراهیم طنجی، مشهور به ابن بطوطه، در سال ۷۰۳ هجری قمری در طنجه زاده شد. او که جغرافیدان بود به دنبال کسب دانش بیشتر در این رشته، سفرهای دور و دراز خود را از سال ۷۲۵ ه.ق. از شمال آفریقا آغازید و به سال ۷۵۴ در مراکش به پایان برد. دستاورد چهار بار سفر او به گوشه و کنار دنیا، کتابی است به نام تحفة النظار و غرائب الامصار و عجائب الاسفار که به رحله ابن بطوطه مشهور است. در سفرنامه او بیشتر به موقعیتهای جغرافیایی و مسایل دینی و مذهبی توجه شده، زیرا وی جغرافیدانی مسلمان است. او در ایران با جاذبه‌های بسیاری روبرو می‌شود که به ذکر نمونه‌ای از آن بسنده می‌شود. هنگام اقامت در اصفهان، درباره روحیات مردم آن شهر می‌نویسد: «اهالی اصفهان مردمی زیباروی‌اند. رنگ آن [ها] سفید و روشن و متمایل به سرخی است. شجاعت و نترسی از صفات بارز ایشان می‌باشد. اصفهانیها مردمانی گشاده‌دست‌اند،

همچشمی و تفاخری که در میان آنان در مورد اطعام و مهمان‌نوازی وجود دارد منشأ حکایات غریبی شده است. مثلاً اتفاق می‌افتد که یک اصفهانی رفیق خود را دعوت می‌کند و می‌گوید: بیا برویم نان و ماس [ماست] با هم بخوریم، ولی وقتی او را به خانه می‌برد انواع غذاهای گوناگون پیش او می‌آورد...

اگر بتوان اخلاقیات را نیز جزو جاذبه‌های سیاحتی اقلیمی به حساب آورد، نیک رفتاری ایرانیان با بیگانگان و میهمان‌نوازی و غریب‌دوستی آنان، نظر بسیاری از ایرانگردان را به خود جلب کرده است.

شرف‌الدین ابو عبدالله محمدبن عبدالله محمدبن ابراهیم طنجی، مشهور به ابن بطوطه، در سال ۷۰۳ هجری قمری در طنجه زاده شد. او که جغرافیدان بود به دنبال کسب دانش بیشتر در این رشته، سفرهای دور و دراز خود را از سال ۷۲۵ ه.ق. از شمال آفریقا آغازید و به سال ۷۵۴ در مراکش به پایان برد. دستاورد چهار بار سفر او به گوشه و کنار دنیا، کتابی است به نام تحفة النظار و غرائب الامصار و عجائب الاسفار که به رحلة ابن بطوطه مشهور است.

پس از مرگ امیر تیمور گورکان غاصب ایران، و پس از آن که اوزون حسن رییس طایفه سپید گوسپندان [آق قویونلو] موفق شد که با شکستن سپاه جهان‌شاه آخرین رییس طایفه سیاه گوسپندان [قراقویونلو] و غلبه بر سلطان ابوسعید شاهزاده فرمانروای تیموری، بر سراسر ایران دست یابد، بنا به دلایل سیاسی، ایران مورد توجه ساکنان مغرب‌زمین قرار گرفته. ترکان عثمانی بلای جان کشورهای مسیحی بودند و دولت‌های مسیحی از

جمله جمهوری مقتدر «ونیز» چشم امید به سوی ایران نیرومند آن روزگار داشتند. ونیزیان، می‌کوشیدند با اعزام سفیرانی به دربار اوزون حسن، او را به جنگ با امپراتوری عثمانی تحریک و ترغیب کنند که البته در این کار موفق شدند. «کاترینوزنو»^۱ نخستین کسی بود که در سال ۱۴۷۱ م [۸۷۶/۸۷۵ ه.] از سوی جمهوری ونیز به ایران آمد، پس از او «جوزافا باربارو»^۲ در سال بعد و سرانجام «آمروزیو کنتارینی»^۳ در ۲۳ فوریه ۱۴۷۳ میلادی [۸۷۷/۸۷۸ ه.] با همان نیت به ایران آمدند. کاترینوزنو فرزند دراگون زنون^۴ بود که سالها در بصره و مکه و ایران بسر برده بود. کاترینو همچنین خواهرزاده ملکه دسپینا^۵ همسر اوزون حسن بود. از کاترینوزنو سفرنامه‌ای به دست نیامده، لیکن یکی از دولتمردان ونیزی به نام راموزیو^۶ از روی نامه‌های رسمی زنون که برای او می‌فرستاده، سفرنامه‌ای یا بهتر بگوییم تباریخچه‌ای از حوادث آن روز ایران، به نام «سفرنامه کاترینوزنو» تهیه کرده است. در این سفرنامه، بیشتر رویدادهای تاریخی ایران و مسایل سیاسی منطقه و جهان، مورد تحقیق قرار گرفته لیکن در لابه‌لای آن مطالبی وجود دارد که نشان می‌دهد، جایگاه کاترینوزنو در دربار اوزون حسن برتر و بالاتر از مأمور سیاسی و معمولی است. «چون کاترینو با دسپینا خویشاوندی داشت چنان مورد مرحمت و محرم اسرار اوزون حسن شد که حتی هر وقت و هر ساعت که می‌خواست به اندرونی شاه و ملکه رفت و آمد می‌کرد و از همه مهمتر آن که حتی هنگامی که اعلیحضرتین در بستر خفته بودند»^۷

بعد از زنون، جوزافا باربارو برای ادامه همان مقاصد سیاسی به ایران آمد. سفرنامه او بیشتر رنگ بوی سیاسی و نظامی دارد، اما چنان نیست که جاذبه‌های سیاحتی ایران را ندیده باشد. او به هنگام عبور از اصفهان می‌نویسد: «اصفهان بناهایی بزرگ و مهم تاریخی دارد که یکی از

معتبرترین آنها آب‌انباری چهارگوش است با آبی زلال، شیرین و بسیار گوارا که پیرامونش باراندازی است با ستونها و گنبد‌های نیکو و اطاق‌های بی‌شمار و حجره‌هایی مخصوص بازرگانانی که می‌خواهند کالای خود را عرضه کنند، پیوسته شب‌هنگام این محل را برای حفظ متاع‌های ایشان قفل می‌کنند. دیگر اشیاء و ابنیه نیکو در این شهر دیده می‌شود که از ذکر آنها می‌گذرم...»^۸ در ادامه سفرش به شهر یزد می‌رسد، و هنگامی که می‌خواهد درباره صنعت عظیم نساجی آن شهر در سفرنامه‌اش چیزی بنویسد، می‌ترسد که متهم به زیاده‌روی و مبالغه شود: «از آن جا راه خود را دنبال کردیم و به یزد رفتیم و آن شهر صنعتگرانی است که پارچه‌های ابریشمی و نخی و پشمی و مانند اینها می‌بافند. شاید کسانی چنین پندارند که در پاره‌ای از موارد من در نقل وقایع از حد راستی تجاوز می‌کنم. با این همه کسانی که یزد را دیده‌اند می‌دانند که آنچه درباره آن می‌گویم کاملاً راست و درست است. حصار پیرامون این شهر پنج میل است و دارای جومه‌ای بسیار وسیع و با این همه، مردم همه به نساجی و بافتن پارچه‌های گوناگون ابریشمین سرگرمند و ابریشم را از استرآباد و از ازی و از نواحی جغتای از راه دریای باکو وارد می‌کنند و بهترین آنها از یزد می‌آید و یزدیان با کار و کوشش خویش مقدار مهمی از این پارچه‌ها را به هند و ایران و جغتای و چین و ماچین و بخشی از ختا و بروصه و ترکستان صادر می‌کنند. کسانی که پارچه‌های ابریشمین خوب و خوش بافت سوریه را می‌خرند گو برونند و پارچه‌های ابریشمی یزد را برگزینند»^۹ باربارو همچنین شهرهای شیراز و قم و کاشان و سایر نقاط آباد ایران را در سفرنامه‌اش توصیف کرده و زیباییها یا زشتیهای آن شهرها را مدنظر داشته است.

پس از باربارو، آمبروزیو کنتارینی به ایران آمد. او شرح سفرش را که از ۲۳ فوریه ۱۴۷۳

[۸۷۷/۸۷۸]. تادهم اوریل ۱۴۷۷ [۸۸۲/۸۸۱].
انجام شده، در سفرنامه‌ای که از او به جا مانده ثبت کرده که بی‌تردید یکی از مهمترین سفرنامه‌هایی است که از آن دوره تاریخی ایران در دست است. در سفرنامه کتتارینی، مسایل سیاسی و تاریخی، مسایل اجتماعی، روحیات و اخلاقیات ایرانیان و همچنین جاذبه‌های سیاحتی ایران مدنظر قرار گرفته است. او در بخشی از سفرنامه‌اش درباره اخلاق ایرانی، می‌نویسد: «ایرانیان بسیار نیک رفتار و مبادی آدابند و از کردارشان پیداست که مسیحیان را دوست دارند. در طی مدتی که در ایران اقامت داشتیم یکبار به ما بی‌حرمی نشد. زنان ایرانی به طرز بسیار مناسب لباس می‌پوشند و در جامه پوشیدن و براسب نشستن از مردان بهترند. زنان و مردان ایرانی هر دو زیبا و خوش‌اندام و پیرو دین اسلامند». کتتارینی که از تبریز تا اصفهان رفته و بازگشته، به هر شهری که وارد شده، مانند جهانگردی به توصیف مشاهدات خود پرداخته است. او هنگامی که به سلطانیه وارد می‌شود، درباره این شهر می‌نویسد: «در تاریخ بیست و هشتم به سلطانیه رسیدیم که بر حسب ظاهر و به گمان من شهر خوبی است. دژی بزرگ دارد که بر گردش حصار کشیده‌اند و خواستم که آن را تماشا کنم. درون آن مسجدی است که بسیار کهن مینماید. سه در مفرغی دارد بلندتر از درهای کلیسای مرقس مقدس (سن مارک) در ونیز. بر این درها گل میخهای سیمین با نقشهای گل و بوته کوفته‌اند که بسیار زیباست و می‌پندارم که مبلغی گزاف صرف این کار کرده باشند». ۱۱

اگر از سفرنامه‌های این سه ونیزی که مأمور سیاسی بوده‌اند، بگذریم، به سفرنامه ایتالیایی گمنامی یرمی خوریم که بنا به گفته خودش در دمشق و حلب و ایران به شغل بازرگانی مشغول بوده. از سال ۱۵۱۱ تا ۱۵۲۰ میلادی به ایران آمد و شد داشته و دوره پادشاهی شاه اسماعیل را

درک کرده است. سفرنامه این بازرگان ایتالیایی را که اوصاف دل‌انگیزی از شهرها، مناسبات اجتماعی، اخلاق و رفتار ایرانیان دارد، می‌توان سفرنامه‌ای سیاحتی شناخت و خود او را ایرانگردی واقعی دانست. برای نمونه می‌توان نوشته‌های او را درباره شهر تبریز مورد بررسی قرار داد: «از صوفیان که بگذریم می‌رسیم به شهر بزرگ و باشکوه تبریز... به نظر من محیط این شهر بزرگ نزدیک به بیست و چهار میل است و مانند ونیز بارو ندارد. دارای کاخهای بزرگی است که یادگار شاهانی است که بر ایران فرمانروا بوده‌اند و خانه‌های باشکوه بسیار دارد. دو رود از میان تبریز می‌گذرد... در تمام نواحی مجاور چشمه‌هایی دیده می‌شود که آب آنها از کاریز می‌آید... درون کاخهای شاهان گذشته را به نحوی شگفت‌انگیز آراسته و از بیرون با زر و رنگهای گوناگون پوشانده‌اند و هر کاخی را مسجدی و گرمابه‌ای جداگانه است که آنها را نیز زرانمود کرده و با طرحهای ظریف و زیبا زینت داده‌اند. هر فرد تبریزی دورن اتاق خود راسراپا گچبری کرده و به طرحهای گوناگون باشنگرف آراسته است. بسیاری از مسجدها را نیز چنان ساخته‌اند که تحسین بینندگان را برمی‌انگیزد. از جمله مسجدی است که در وسط شهر چنان خوب ساخته‌اند که نمی‌دانم چگونه به شرح و توصیف آن پردازم... بسه ذکر دو درخت تناور نارون می‌پردازم که در زیر هر کدام یکصدوپنجاه تن می‌توانند بایستند... هوای تبریز چنان سازگار است که مردم را برمی‌انگیزد که با طیب خاطر در آن جا رحل اقامت افکنند و حظ وافر برند و من در آن جا کسی را ندیدم که مزاجش از حد اعتدال منحرف شده باشد. تقریباً همه گوشت گوسفند می‌خورند... ماهی نیز فراوان است و آن را از دریاچه‌ای [دریاچه ارومیه] می‌گیرند که مسافتش تا تبریز یک روز راه و آبش مانند آب وسطان و وان شور است... میوه‌های عادی در تبریز مانند

دیگر جاهای دنیا یافته می‌شود... تبریز به باغهای متعددی آراسته است که گیاهان عادی در آنها یافته می‌شود... باید دانست که در تبریز عده فراوانی از ایرانیان و ترکمانان به سر می‌برند و کولیهایی که از هواداران فرقه صفوی به شمار می‌روند و مانند بقیه مردم قباای سرخ می‌پوشند. عده بالنسبه فراوانی از ارمینهای مسیحی در تبریز اقامت دارند... یهودیان نیز در تبریز هستند اما از مقیمان دایمی آن سامان به شمار نمی‌روند... درباره مردم تبریز چیزهای شگفت‌انگیز خواهی شنید. مردان آن دیار بلندقامتر از مردان کشور ما می‌باشند. بسیار جسور و گستاخند و به ظاهر تندروست و نیرومند و دلیر و مغرور... در تبریز و در سراسر

جایگاه کاترینوزنو در دربار اوزون حسن برتر و بالاتر از مأمور سیاسی و معمولی است. «چون کاترینو با دسپینا خویشاوندی داشت چنان مورد مرحمت و محرم اسرار اوزون حسن شد که حتی هر وقت و هر ساعت که می‌خواست به اندرونی شاه و ملکه رفت و آمد می‌کرد

ایران راه و رسم تیولداری برقرار است و همه رسومات و عوارض راهداری و گمرک و مالیات را تیولدار وصول می‌کند... تعرفه گمرکی معمولی و مجراست و مسیحیان هر کالا از هر جا وارد کنند، ده درصد عوارض گمرکی بابت آن می‌پردازند. مسلمانان بابت هر کالایی که وارد کنند فقط پنج درصد می‌پردازند... در این شهر هر چه بخواهی بخری بهایش برحسب طبقه‌بندی کالا ثابت است... آمد و شد در شهر بسیار است و ابریشم از هر نوع، خام و مصنوع یافت می‌شود... حریر سرخ را از تبریز به حلب عثمانی می‌برند و در عوض قماش و نقره می‌گیرند و می‌آورند. ۱۲ می‌بینیم که او تبریز را با دیده جهانگردی نگریسته

و دربارهٔ موقعیت جغرافیایی، وضعیت تاریخی و اقتصادی، روابط اجتماعی، جاذبه‌های سیاحتی و ... مورد مطالعه قرار داده است. دریغ که در چندین جا، نظرات ناروایی دارد که از ارزش کار او می‌کاهد.

دورهٔ پادشاهی صفویه را می‌توان سرآغاز مهمی برای ورود اتباع بیگانه به ایران دانست. در عصر صفوی سفیران دول بیگانه، جهانگردان، مسیونرهای مختلف مذهبی، بازرگانان و ... به ایران وارد شدند. اولین هیأت انگلیسی به سرپرستی سرآنتونی جنکینسن^{۱۳} نیز در دورهٔ صفویه، به سال ۹۸۰ هجری به ایران آمد. چهل سال پس از مأموریت بی‌نتیجهٔ جنکینسن، برادران شرلی (سرآنتونی و رابرت) در سال ۱۵۸۹ م. [۱۰۰۶ ه] به اصفهان آمدند. لردکرزن در کتاب خود «ایران و قضیهٔ ایران» دربارهٔ علت آمدن برادران شرلی به دربار شاه عباسی می‌نویسد: «سرآنتونی شرلی^{۱۴} از دوستان نزدیک دوک اسکس نایب‌السلطنهٔ انگلیس در سرزمین کاتولیک مذهب ایرلند بود. او ذهن شرلی را از خطر دائمی امپراتوری عثمانی نسبت به جهان مسیحیت تحریک و شرلی را در آمدن به ایران که رقیب عمدهٔ آل عثمان بود ترغیب نمود». آنتونی شرلی در دربار شاه قدر و اعتبار بسیار یافت و با پیشنهاد و راهنمایی او بود که شاه عباس هیاتی را به دربارهای مسیحی اروپا فرستاد و شرلی را راهنما و مشاور آنها قرار داد. مأموریت این هیأت جلب همکاری و اتحاد دول عیسوی در برابر خط عثمانی و نیز تشویق این کشورها برای تجارت با ایران بود. این هیأت در سال ۱۰۰۷ هجری به ریاست حسین علی بیگ بیات از راه روسیه و آلمان به ایتالیا رفته، پس از ملاقات با پاپ و تسلیم کردن نامهٔ شاه، روانهٔ اسپانیا شد. در این مأموریت فرمانی از سوی شاه [عباس]، به نام آنتونی شرلی صادر شد که در آن شاه ایران از همهٔ اروپاییان دعوت کرد که به کشور او برای تجارت یا هر کار

دیگری آمدوشد کنند. او در این فرمان تسهیلات بسیاری برای مسیحیانی که به ایران می‌آیند قایل شد و در حقیقت فرمان او را می‌توان سرآغاز نوینی در تاریخ ایرانگردی تلقی کرد:

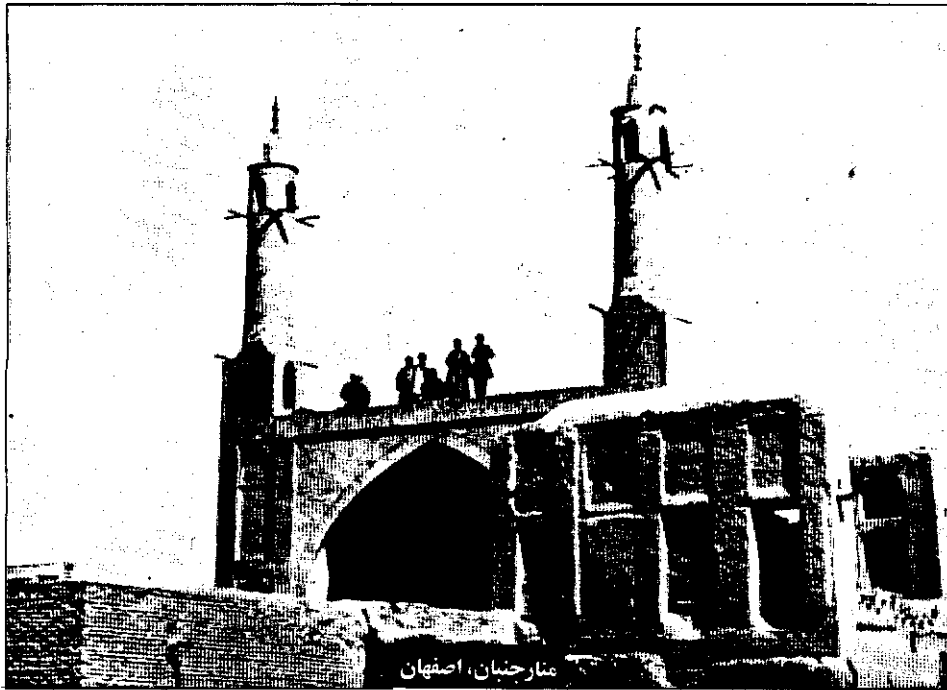
در این مأموریت فرمانی از سوی شاه [عباس]، به نام آنتونی شرلی صادر شد که در آن شاه ایران از همهٔ اروپاییان دعوت کرد که به کشور او برای تجارت یا هر کار دیگری آمدوشد کنند. او در این فرمان تسهیلات بسیاری برای مسیحیانی که به ایران می‌آیند قایل شد و در حقیقت فرمان او را می‌توان سرآغاز نوینی در تاریخ ایرانگردی تلقی کرد:

«فرمان همایونی شد. ارادهٔ شاهانهٔ ما این است که قلمرو ما از این تاریخ به روی همهٔ عیسویان باز باشد به نحوی که هیچ فردی از اتباع مادر هر شأن و مقام بر ضد آنها کلامی ناروا به زبان نیاورد. بنابر دوستی که با شهریاران مسیحی داریم این فرمان را محض آگاهی همهٔ تجار عیسوی صادر می‌کنیم تا به سرزمین ما رفت و آمد و تجارت کنند بدون این که از جانب هیچ شاهزاده یا امیر و یا حاکم یا فرمانده یا هر کس دیگری از طبقه یا مقام وابسته به دستگاه شاهی ما مورد صدمه و آزار قرار گیرند، و همهٔ اجناسی که تجار عیسوی به ایران می‌آورند مشمول این مزیت باشد که هیچ مأمور یا صاحب اختیاری حق بازرسی آنها را نداشته باشد و یا بر آنها عوارض تحمیل ننماید و کسی به هیچ وجه و عنوان و یا به خاطر احدی حق توقیف کردن این قبیل کالاها را ندارد. افراد روحانی ما نیز به هیچ عنوانی حق دخالت و مزاحمت در کار ایشان نخواهند داشت و نمی‌توانند راجع به مذهب و ایمان آنها حرفی پیش بیاورند و هیچ یک از قضات ما هم حق صدور حکمی بر ضد خود آنها

یا اموال ایشان نخواهند داشت و هرگاه تاجری وفات کند هیچ کس حق دخالت و تصرف در مال او را ندارد و اگر آن تاجر کسی همراه دارد اموال متوفی به او خواهد رسید ولی اگر تنها باشد گماشتگان و حاکم یا هر کس دیگری که تاجر در هنگام بیماری تقاضا کرده باشد باید دربارهٔ این اموال به هر کدام از هموطنهای او که مراجعه کند جواب بدهد. اما اگر آن شخص ناگهان وفات کند و همراه یا گماشته‌ای نداشته باشد یا مجالی برای مراجعه به کسی نباشد، در این صورت حاکم محل مال او را به نفر دیگری از هموطنان او که در قلمرو ما مقیم است خواهد فرستاد. افرادی که در داخل قلمرو ما اقامت و بر وسایل و ترتیبات کارها اختیار دارند حق دریافت چیزی از آنها نخواهند داشت و نباید جرأت نمایند چیزی از بازرگانان مسیحی دریافت کنند. هرگاه چنین تاجر مسیحی به یکی از اتباع ما در هر شأن و مقام اعتبار و وجهی وام بدهد به وسیلهٔ این فرمان هر قاضی یا حاکم موظف است حق و طلب او را وصول نماید و به محض اظهار تقاضا، قاضی یا حاکم باید موجب جلب رضایت عارض را فراهم سازد. هیچ حاکم یا قاضی در هر درجه و مقامی که باشد حق دریافت هیچ گونه پاداشی که مایهٔ ضرر شاکلی شود نخواهد داشت زیرا که خواست و ارادهٔ ما آن است که این افراد تاجر در سراسر قلمرو ما همواره خشنود و راضی باشند و همهٔ قلمرو ما برای رفت و آمد آنها آزاد باشد. احدی هم حق ندارد دلیل حضور آنها را در سرزمین ما استفسار کند. با آن که راه و رسم دولت ما این است که این گونه احکام هر سال تجدید می‌شود ولی این فرمان همواره دارای اثر و اعتبار کامل خواهد بود و احتیاجی به تمدید یا تغییر آن از طرف ما یا اعقاب ما نخواهد بود.»^{۱۵}

موضوع مسافرت اتباع ایرانی به سایر کشورها و آمدن بیگانگان به ایران مورد توجه سایر پادشاهان صفوی نیز بود. چنان که

شاه تهماسب دوم در قراردادی که با پترکبیر امپراتور روسیه منعقد کرد آزادی سفر بین دو کشور را مورد حمایت قرار داد. ماده چهارم این قرار داد که در ۱۲ سپتامبر سال ۱۷۲۳ [۲۸ ذی‌القعدة ۱۱۳۵] در سن پترزبورگ توسط نمایندگان دو دولت امضا شده است، می‌گوید: «از این پس تا جاودان در میان اصلی حضرت امپراتور سراسر روسیه و دولت روسیه و اعلی حضرت



منارجنبان، اصفهان

شاه و دولت ایران دوستی برقرار خواهد بود و اتباع هر دو طرف همیشه اجازه دایمی خواهند داشت به هر دو کشور سفر کنند و در آن جا به میل خود آزادانه زندگی کنند و بازرگانان خود را به آن جا بفرستند و هر موقع بخواهند، آزادانه برگردند و در این کار هیچ‌گونه مانعی نباید پیش آید و زحمت فراهم گردد و اگر کسی جرأت کند به کسی آزاری برساند از سوی اعلی حضرتین کیفر سخت خواهد دید.»^{۱۶}

در دوره صفویه جهانگردان بسیاری به ایران آمدند، که اغلب آنان مأموران سیاسی، مبلغان مذهبی و یا بازرگانانی بودند که در پی کسب سود به این سرزمین وارد شدند. ولی باید دانست که جهانگردی در ابتدای امر جدای از «منفعت» نبوده و به هر جهت مشکل بتوانیم «سیاحت» را از «منفعت» جدا کنیم. از معروفترین ایرانگردانی که در دوره صفویه به ایران آمده و از سفر خود گزارش تهیه کرده‌اند می‌توان از: بازرگانان گمنام ایتالیایی، شاردن، کمپفر، پیتر و دلاواله، سانسون، برادران شرلی و تاورنیه نام برد. حمایت و تشویق از فرنگیانی که به ایران سفر

می‌کرده‌اند در دوران افشاریه و زندیه نیز ادامه داشت. فرمانی از کریم خان زند در دست است که آزادی مذهب و تجارت را برای بیگانگانی که به ایران می‌آمدند، تضمین کرده است: «فرمان تعالی شد، آن که در این اوان عمده المسیحیه پادری فرنیسه حکیم وارد حضور و به عرض رسانید که به موجب ارقام سلاطین جنت‌مقام صفویه انارالله برهانهم همیشه پادریان فرنگیان و خلیفه‌ها در ممالک محروسه ایران خانه و جا و مکان داشته هر یک به رسم و آیین خویشتن مشغول و تجار و سوداگران آن طایفه به تجارت قیام و عشور موجبات حسابی خود را مهمسازی عمال خیریت اعمال می‌نموده‌اند، مشروط بر آن که احدی از آنها مرتکب امری که خلاف ملت مقدس اثنی عشره علیهم صلوات الله الملک الاکبر باشد به حسب ظاهر نکرده، احدی راهم با ایشان رجوعی نباشد و هرگاه جماعت ارامنه به آنها ضرر و نقصانی رسانیده متعرض احوال آنها شوند بعد از ثبوت آنها را ترجمان نمایند و پادریان کرملیان و دنیکان و کنجوخی و اگوستن و غیره که در ولایت آذربایجان از شیروان

و قراباغ و دارالسلطنه تسبیریز و گنجه و نخجوان و قلمرو علیشکروود دارالسلطنه اصفهان و الکاء فارس از شیراز و بندرعباس و سایر ممالک محروسه می‌باشند و در هر جا که خواسته باشند سکنی کرده هر یک از ارامنه و عیسویان و اولاد ایشان که خواسته باشند نزد ایشان آمدوشد کرده

تعلیم بگیرند و درس بخوانند نیز ممانعت نکرده، چنانچه جماعت مذکوره اموات خود را در مقامی که به جهت مدفن آنها تعیین می‌نمایند به دستور و سنن دین خود برده دفن نمایند عایق و مانعی جهت آنها نباشد و امداد و اعانت لازمه آنها به عمل آمده احدی نسبت به ایشان ظلم و ستم ننماید و در خصوص صدق ادعایات و غرض خود ارقام مذکوره را آورده به نظر رسانند. لهذا عالیجاهان بیگلربیگان عظام و حکام گرام و غیره عمال ولایات محروسه در خصوص امور مذکوره به نحوی که حسب الارقام سلاطین به شروط مذکوره مقرر شده از آن معمول و عشور موجبات حسابی تجار و سوداگران را بازیافت و تخلف از فرموده مبارک جایز ندانسته، مراعات ایشان را منظور دارند و در عهده شناسند. شوال سنه ۱۱۷۷هـ

دوره قاجاریه به ویژه اوایل سلطنت فتحعلی شاه را نیز می‌توان از جهت تشدید فعالیت‌های سیاسی اروپاییان در ایران و آمدوشدهای سیاسی مورد مطالعه قرار داد. پیروزی نظامی ناپلئون بناپارت در اروپا سبب

شد که تهران مرکز رقابت سیاسی فرانسه و انگلستان شود. رفته رفته پای مأموران سیاسی سایر دول بیگانه نیز به ایران باز شد. اصولاً دوره قاجاریه بنابه دلایل بسیار سیاسی و اقتصادی، سخت مورد توجه بیگانگان قرار گرفت، ضمن این که تحولات عظیم علمی، صنعتی مغربزمین سبب شد که طبقه‌ای از دانشپژوهان به وجود آید تا برای مطالعه در زمینه‌های گوناگون علمی، روانه دیگر کشورها شوند، و همین دانشپژوهانند که به نام خاورشناس «یا مستشرق» نامیده شده‌اند. هرچند که جدا کردن مستشرقین از سایر گروه‌های ایرانگرد از جمله مأموران سیاسی، یا مبلغان مذهبی و حتی بازرگانان نیز کار چندان ساده‌ای نیست.

از دوره قاجاریه سفرنامه‌های بسیاری از ایرانگردان در دست است که ذکر نام تمام آنها مقدور نیست. اما می‌توان از سفرنامه‌های مهم این دوره سفرنامه‌های: گاسپار دروویل، اوژن فلاندن، ارنست اورسل، هنری موزر، مسیو بهلر، هونتم شیندلر، سرجان ملکم، ژنرال گاردان، سرآرتور هاردینگ، آلکس بارتز، نیکی تین، پولاک، لید سیل، کنت دوگوبینو و فدت آفاناس یویچ کاتف را نام برد. از میان انبوه سفرنامه‌های دوره قاجار، سه سفرنامه را برگزیدیم تا با دیگه آنانی که در این دوره به ایران آمده‌اند، آشنا شویم. نخستین سفرنامه متعلق به سرهنگ گاسپار دروویل^{۱۸} است که در دوره زمامداری فتحعلیشاه قاجار به ایران آمده است. او سفرنامه‌اش را که از هر حیث کامل است، در دو دفتر با عناوین مختلف، موضوع‌بندی کرده است: کتاب اول: اطلاعاتی درباره وضع فعلی ایران و نظری به صلح اخیر [صلح ایران و روسیه و عقد عهدنامه گلستان]؛ آب و هوای استانهای مختلف و خصوصیات مردمانی که در آن‌جا زندگی می‌کنند؛ کاهش جمعیت ایران و علل آن، مردان و زنان، حمامهای عمومی، حرمسراها، زنان عقدی، کنیزان،

اشتغالات و تفریحات، طرز ساختمان عمارات، کاروانسراها، بازارها، طرز پخت‌وپز، اغذیه و مشروبات ایرانیان، ضیافتها و آداب غذا خوردن ایرانیها، قهوه و قلیان، ائانه منزل ایرانیها، دارایی و تقسیم اموال بین اولاد، مراسم نامزدی و عروسی، طلاق و زنان بیوه، مذاهب مختلفی که در ایران از آنها پیروی می‌شود، روز جمعه و عبادات، روحانیون، سیدها، حاجیها، دراویش و فقیرها، نوروز، رمضان و محرم، شاه و زنان و فرزندان او. کتاب دوم: درباره شاهزاده عباس میرزا ولیعهد ایران، اختیارات شاه، قوانین، دستگاه قضایی و طرز اداره آن و مجازاتها، دربار، مقامات عالی، سلسله مراتب، بیگاریها، اختیارات و عایدات آنها، ادبیات، شعر، موسیقی، تأثر و رقص ایرانیها، ورزشکاران و عملیات ورزشی، گردشگاهها و شکار، سفر و زیارت، بردگی، اسب و دیگر حیوانات اهلی ایران، قشون، فرماندهان و شوراها، نظامی، قشون غیرمنظم و طرز جنگیدن آنها، سازمان لشکرها و تعداد آنها، توپخانه قدیم و جدید و زرادخانه و وسایل حمل و نقل نظامی، راه‌پیماییها و اردوگاهها، طبابت، جراحی و مراسم تشییع جنازه، کردها، گبرها و شرح مختصری درباره جغرافیای منطقه.

سفرنامه دروویل را از هر حیث می‌توان کامل و قابل اعتنا دانست. او نگاه هوشمندانه‌ای به تمام جنبه‌های سیاحتی سفرش دارد. هرچا که رفته، همه چیز را خوب دیده، شنیده و یادداشت کرده. درباره ادبیات ایرانزمین می‌نویسد: «اشعار پر استعاره فارسی، به خصوص معانی اخلاقی بسیار لطیف دارند و از روی این اشعار می‌توان به ذوق و رفتار و کردار پسندیده این ملت که در گذشته چنین برجسته و قابل ستایش بوده است پی برد. سر ویلیام جونز بعضی از این اشعار را به انگلیسی ترجمه کرده، در کتاب دستور زبانش درج نموده است. به منظور شناساندن سعدی، این مرد پرآوازه که ایرانیها او را سلطان‌الشعرا لقب داده‌اند،

به ترجمه تحت‌اللفظی یکی از اشعار وی اکتفا می‌نمایم:

روزی در حمام دوستی گلی خوشبوی به من داد من آن را گرفتم و گفتم آیا تو از مشکى یا عبیری که مرا این چنین به‌طور دل‌انگیزی افسون نموده‌ای؟ بی‌درنگ جواب داد افسوس من قطعه‌ای از خاک معمولی هستم، اما چون مدتی در مساحت گلی سرخ بودم، این گل صفات پسندیده‌اش را به من منتقل نمود. من برخی از آن صفات را حفظ کردم و همین امر شگفتی ترا امروز موجب شد و جلب توجه تو را نمود و الا هنوز هم باید گل ناچیزی باشم.^{۱۹}

که البته ترجمه او از این ابیات سعدی است:

گلی خوشبوی در حمام روزی
رسید از دست محبوبی به دستم
بدو گفتم که مشکى یا عبیری
که از بوی دلاویز تو مستم
بگفتا من گلی ناچیز بودم
ولیکن مدتی با گل نشستم
کمال هم‌نشین در من اثر کرد
وگر نه من همان خاکم هستم

از سفرنامه زیبای دروویل که بگذریم، باید به بررسی سفرنامه ستوان آلکس بارتز که وی نیز در عهد فتحعلیشاه قاجار به ایران آمده پرداخت. او که عضو انجمن سلطنتی بریتانیا و مأمور عالی‌رتبه کمپانی هند شرقی است. گزارش سفرش را که از سال ۱۸۳۱ تا ۱۸۳۳ میلادی انجام شده، تحت عنوان «سفر به بخارا، شرحی درباره مسافرت از هندوستان به کابل، ترکستان و ایران و نیز مسافرتی بر روی سند، از راه دریا تا لاهور»، به رشته تحریر در آورده است. بارتز که برای دیدار و مذاکره با خسرو میرزا ولیعهد به مشهد رفته است، درباره این شهر نوشته‌هایی دارد که یکی از جالبترین آنها، گزارش دیدار او از حرم مطهر امام‌رضا(ع) هشتمین پینشوی شیعیان است: «قبر امام (ع) تقریباً در وسط شهر در زیر گنبدی با

پوششی از طلا که با دو مناره طلاپوش درخشان اطرافش برابری می‌کرد قرار داشت. این گنبد و مناره‌ها در زیر پرتو خورشید با درخشش زیادی نورافشانی می‌کرد. نزدیک قبر [مطهر] و در پشت آن مسجد بزرگی با گنبد و مناره‌های آبی‌لاجوردی قرار دارد که به دستور گوهرشاد [آغا] یکی از اعقاب تیمور بزرگ ساخته شده است. زاپری که به زیارت می‌آید باید ابتدا از بازار

در دوره صفویه جهانگردان بسیاری به ایران آمدند، که اغلب آنان مأموران سیاسی، مبلغان مذهبی و یا بازرگانانی بودند که در پی کسب سود به این سرزمین وارد شدند. ولی باید دانست که جهانگردی در ابتدای امر جدای از «منفعت» نبوده و به هر جهت مشکل بتوانیم «سیاحت» را از «منفعت» جدا کنیم. از معروفترین ایرانگردانی که در دوره صفویه به ایران آمده و از سفر خود گزارش تهیه کرده‌اند می‌توان از: بازرگانان گمنام ایتالیایی، ساردن، کمپفر، پیتر و دلاواله، سانسون، برادران شرلی و تاورنیه نام برد.

عبور کند، از زنجیر بگذرد تا وارد بست، یعنی جایی که در آن هیچ مجرمی قابل تعقیب نیست بشود... ایوانها و دیوارهای محوطه با کاشیهای رنگی که بی‌شبهت به میناکاری نیست و منظره‌ای بدیع و باشکوه دارد مزین شده است. مدخل حرم مطهر در جانب غربی صحن قرار دارد و از زیر طاق مخروطی بلندی که به سبک معماری گوتیک ساخته شده و به بهترین وجهی طلاکاری شده است می‌گذرد. در این جا بیشتر دیوارها آینه‌کاری است، بدین ترتیب که آینه‌ها در داخل دیوار روی جدار خارجی تعبیه شده است و در هنگام غروب

آفتاب با آویزهای سقفی روشن می‌شود. فرد غیرمسلمان نمی‌تواند پا را از آستانه این مدخل حرم [مطهر] فراتر بگذارد، مگر با تغییر قیافه و من با تدبیر جلوی کنجکاوی‌ام را در این زمینه گرفتم. ممکن بود خود را در میان جمعیت جازده از درب ورودی بگذرم و این نیز امکان داشت که هویتم برملا شود و می‌دانم که زیباییهای داخل حرم ارزش این مخاطره را دارد. وقتی زاپر از درب بزرگ که دارای روکشی از نقره است وارد فضای حرم مطهر می‌شود، شکوه منظره شور دلبستگی او را افزایش می‌دهد... روبروی درب ورودی حرم، مسجد زیبای گوهرشاد قرار دارد که در آن با جرأت تمام گام نهادم. این مسجد نمونه زیبای معماری است و ایوانی که در آن «محراب» یا طاقچه‌ای در جهت مکه قرار دارد به طور بسیار باشکوهی تزیین و به طرز بسیار اصیلی ساخته شده است. مناره‌هایی که در دو طرف مسجد قرار دارند، دارای عظمت و زیبایی ویژه‌ای هستند که به زیبایی مسجد افزوده است.^{۲۰}

ستوان بارنز به هنگام عبور از ترکمن صحرا، تحت تأثیر اشعار حماسی ترکمانان قرار گرفته، و ترجمه‌ی یکی از این سرودها را در سفرنامه‌اش یادداشت کرده است. ترکمانان با ساز مشهور خود، سه‌تار، سرود «حملة ترکمانان تکه به دشمن» را برایش سر داده‌اند و او آن سرود و پاسخ دشمن ترکمانان را بدین گونه برگردانده است:

«ترکمانان تکه در خطاب به رقیب:

لطفعلی‌خان! ای سالار،

بزرگی و شکوه تو بر باد رفته

و زمان آن فرا رسیده که تو را

به اسارت ببریم.

ای سالار! وقت آن است که

نیروهایمان را شب هنگام سامان دهیم

و برای غارت صبح آماده کنیم.

خاک سرزمینهای شما،

در زیر سم اسبهای ما در هوا پراکنده خواهد شد

و ترکمانان تکه همه چیز شما را به خود خواهند برد.

خدا را شکر، شهرت من عالمگیر خواهد شد.

اگر سال بزرگ بشناسی، بدان که در آن موقع به شما حمله می‌کنم.

تمام امیدهای تو در خراسان بر باد خواهد رفت، که فرار اختیار کنی.

یکصد جوان زبده‌ام مراقب تو هستند.

این جوانها از کارشان غفلت نمی‌کنند،

آنها تو را، ای سالار!

روی زمین خواهند کشید

و به حضور من خواهند آورد.

ای سالار! تفنگهای شما را به خیره خواهم برد:

قدرت شما نابود شده.

سوارانم را در دشت گرد می‌آورم.

اگر شعور داری، سفارش مرا به خاطر بسیار

هدایایی زیبا به عنوان باج برایم بفرست.

آه! بهایی محمد! این زمان خوشبختی من است.»

«پاسخ رقیب به ترکمانان تکه:

سالار! سلام مرا به ترکمانان تکه برسان،

در آن‌جا محلی هست به نام «اورکاج»

مدتهاست که از آن بهره‌مند شده‌ای.

سالهاست که در اورکاج نشسته‌ای.

اینک، سالار! وقت آن است که بساط خود را

برچینی.

ما اینک خیمه‌های خود را در مرغزارهای نسا برپا

می‌کنیم.

و موقعی که فرار میکنید، شیپور عقب‌نشینی

خواهیم زد.

سواران ما، آنهایی را که تلاش میکنند فرار کنند،

گرفتار می‌کنند.

آنهایی که عقب بمانند، در زیر پا لگدمال خواهیم

کرد.

به سرزمین شما خیره خواهیم شد.

سواران دلاور ما که زره پوشیده‌اند،

در دشتهای شما چهار نعل می‌تازند.

سالارا سربازان ما در پشت استحکامات شما فرود می‌آیند.

دیوارهای آکل از صدای توپخانه ما به لرزه خواهد افتاد.

من با خود سپاه نیرومندی خواهم آورد.

و از فراسوی دشتهای قبحاق خواهم گذشت.

طلایه سپاه من در «میمنه» فرود خواهند آمد.

مردم شما بر روی ریگهای صحرا نابود خواهند شد.

موقعی که به میان کوههای شنی رانده می‌شوید، پاهایتان تاول خواهد زد،

و دهانهایتان از تشنگی خواهد سوخت.

هر کجا باشید، راهنمایان ما شما را خواهند یافت. وقتی رد شما را ببینند، ما شما و خانواده‌هایتان را خواهیم ربود.

ای دوشخون! از این قرار من از سوی خود می‌گویم:

آن دشتی که اکنون زیباست، به زودی برای شما به صورت بستری از خار در خواهد آمد.^{۲۱}

«بهایی محمد» و «دشخون» نام شاعران این دو سروده حماسی است که در حاشیه سفرنامه بدان اشاره شده است.

سفرنامه سوم متعلق به دکتر فوروریه است که پزشک مخصوص ناصرالدین شاه قاجار بوده و از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ قمری با همین سمت در دربار ایران سکونت داشته است. سفرنامه او که موسوم به «سه سال در دربار ایران» است، دارای نکات جالبی از روابط درباری و اوضاع و احوال مردم ایران است. البته روشن است که اجباری در پذیرش همه گفته‌های او نیست، ولی دست کم می‌توان از مشاهدات عینی او در مورد جاذبه‌های ایران بهره جست.

گویا دکتر فوروریه به قالی و فرش ایرانی علاقه خاصی داشته، چون که در جای‌جای سفرنامه‌اش، از هنر قالیبافی در ایران، یاد کرده است. به هر روی نباید فراموش کرد که صنعت قالیبافی ایران،

جزو صنایع دستی چشمگیر و پر جاذبه این مرز و

بوم است. دکتر فوروریه در یکی از سفرهای داخلی

که همراه ناصرالدین شاه بودم، هنگام عبور از

سلطان آباد در توصیف این شهر می‌نویسد: «در

هر خانه سلطان آباد کارگاهی برای بافت قالی

برپاست و زنها در عین این که به کارهای

خانه‌داری می‌رسند به قالی بافی نیز مشغولند و به

طور متوسط هر هفته سه فرانگ از این راه

عایدشان می‌شود و چون در این جا ارزانی است،

این مبلغ به نظر کافی می‌آید. تجارتخانه زیگلر که

مرکز آن در منچستر است و شعبه‌ای نیز در تهران

دارد بیشتر قالیهای خود را از سلطان آباد می‌خرد،

بلکه باید گفت که تجارتخانه مزبور مشتری تمام

قالیهایی است که در سلطان آباد بافته می‌شود و

همه کارگران به خرج آن کار می‌کنند. نماینده آن

تجارتخانه این ایام مشغول ساختن بنای عظیمی

است به این قصد که در آن جا مدرسه‌ای جهت

نساجی مطابق اصول جدید درست کند.

سلطان آباد از برکت همین تجارت قالی که

معروفترین آنها را در فراهان می‌بافند به سرعت

ترقی یافته، چنان که در عرض پنجاه سال اخیر

جمعیت آن از چند صد نفر به چهل هزار نفر

رسیده و همین کیفیت به خوبی اهمیت تجارت

قالی این شهر را می‌رساند. البته اگر بخواهند که

این تجارت زمین نخورد باید از استعمال

پشمهایی که به رنگهای جوهری ملون شده و به

کاربردن آنها دارد معمول می‌شود جداً جلوگیری

به عمل آورد. می‌گویند گناه این کار به گردن

انگلیسهاست که رنگهای جوهری را به ایران

آورده‌اند. به هر حال اگر در این باب دقت نشود و

رنگهای جوهری شیوع پیدا کند، بلاشک از قدر و

قیمت قالیهای ایران کاسته خواهد شد. کسانی که

در این کار ذی‌نفعند از این جهت نگران شده‌اند و

امیدواری هست که بار دیگر همان رنگهای ثابت

نباتی جای رنگهای جوهری را بگیرد.^{۲۲}

از دوره قاجاریه سفرنامه‌های

بسیاری از ایرانگردان در دست است

که ذکر نام تمام آنها مقدور نیست. اما

می‌توان از سفرنامه‌های مهم این دوره

سفرنامه‌های: کاسپار دروویل، اوژن

فلاندن، ارنست اورسل، هنری موزر،

مسیو بهلر، هوتم شیندلر، سرجان

ملکم، ژنرال گاردان، سرآرتور

هاردینگ، آکس بارنز، نیکی تین،

پولاک، لید سیل، کنت دوگوبینو و

فدت آفاناس یویچ کاتف را نام برد.

سیاحت و جهانگردی در مقاله‌هایی که

در عهد سلاطین قاجار با دول بیگانه به امضاء

رسیده، تقریباً از امر تجارت یا سیاست جدا و به

رسمیت شناخته شده است. برای نمونه بخشی از

چند عهدنامه دوره قاجاری معرفی می‌شود:

- فصل اول قرارداد دوستی و تجارت بین

ایران و فرانسه به سال ۱۲۶۳ هجری [۱۸۴۷ م.] به

امضای حاجی میرزا آقاسی و کنت دو سارتیز:

تبعه دولتین علیتین معاهدتین از قبیل سیاحان و

تجار و پیشه‌ور و غیر هم که در مملکتین

محرستین سیاحت یا توقف نمایند بالسویه از

جانب حکام و ولایات و وکلای طرفین به عزت و

حمایت قادرانه بهره‌مند خواهند گردید و در هر

حال سلوکی که نسبت به اتباع دول کامله الوداد

منظور می‌شود در حق ایشان نیز منظور خواهد

شد و کذالک بالمفاوضه مأذون و مرخصند که

هرگونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه

دریا و چه از راه خشکی به مملکت یکدیگر

بیاورند و از مملکت همدیگر ببرند و بفروشند و

مبايعه و معاوضه نمایند و به هر بلدی از بلاد

مملکتین که خواهند حمل و نقل نمایند.^{۲۳}

- فصل سوم از عهدنامه مودت و تجارت بین

ایران و فرانسه به تاریخ ۲۷ شوال ۱۲۷۱ مطابق با

۱۲ ژوئیه ۱۸۵۵ به امضای میرزا آقاخان و بوره: اتباع دولتین معظمتین معاهدتین از مسافر و ارباب صنعت و تجارت و غیر هم خواه در موقع مسافرت خواه در موقع اقامت در مملکتین مورد احترام واقع و کاملاً در حمایت مباشرین آن مملکت و مأمورین خودشان بوده، به طوری که با تبعه دول کامله الوداد رفتار می‌شود از هر حیث با آنها نیز رفتار خواهد شد. ۲۴

- فصل سوم از عهد نامه مودت و تجارت بین ایران و اسپانیا به تاریخ ۲۱ محرم ۱۲۵۸ هجری مطابق با ۴ مارس ۱۸۴۲ به امضای میرزا جعفر مشیرالدوله و آئیونیولوپیزدو کوردرا: رعایای دولتین معظمتین از قبیل کسبه و تاجر و مسافر که به مستملکات یکدیگر می‌روند از زمان ورود الی خروج با احترامات مقتضیه پذیرفته شده و مورد رفتار شایسته خواهند بود و هیچ وقت محل تحمیل هیچ‌گونه مالیات و حقوق دیگری به هیچ اسم و رسم نخواهند بود... ۲۵

- فصل سوم از عهدنامه مودت و تجارت مابین ایران و اتازونی [امریکا] به تاریخ ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۷۳ مطابق با ۱۳ دسامبر ۱۸۵۶ میلادی به امضای فرخ‌خان امین‌الملک و کارل اسپنس: اتباع طرفین معظمتین مجاهدین از قبیل مسافر و تاجر و صنعتگر و غیره که در خاک یکدیگر مقیم بوده باشند موقع احترام واقع شده و کاملاً در حفظ و حراست کارگزاران مملکتی و مأمورین خودشان خواهند بود... ۲۶

- فصل سوم از عهدنامه مودت و تجارت و سیر سفاین مابین ایران و اتریش به تاریخ ۲۲ رمضان ۱۲۷۳ مطابق با مه ۱۸۵۷ به امضای فرخ‌خان و هوبنز: اتباع دولتین معظمتین معاهدتین من بعد می‌توانند در کمال آزادی در خاک ممالک یکدیگر سیر نموده و از آن‌جا به عزم ورود به ممالک همجوار عبور نمایند بدون این‌که از طرف کارگزاران محل ممانعتی رخ دهد، بلکه کارگزاران مزبور به کمال سعی و اهتمام را منظور

خواهند داشت که مری‌الیهم از هرگونه مرارت مصون باشند و از این جهت همیشه مواظب امنیت شخصی آنها بوده و نسبت به آنها با کمال احترام رفتار خواهند کرد. برای این که مورد هیچ گونه ضرر و تعدی و تعرض واقع نشوند و برای این مقصود به آنها تأمین‌نامه (تذکره) و فرامین و سایر احکامات را خواهند داد. ۲۷

همین مضمون در عهد نامه‌های بین ایران و هلند، بلژیک، دانمارک، سوئد و نروژ، یونان، ایتالیا، سوئیس، آلمان، مکزیک، شیلی و اروگوئه مشاهده می‌شود.

عصر قاجاریه در ایران، همزمان بود با عصر تحولات عظیم و شگرف صنعتی، علمی و هنری در اروپا. در همین دوران بود که دانشپژوهان اروپایی پی به ارزش بی‌کران ویرانه‌های باستانی در سراسر این کره خاکی بردند. آنان که به دنبال کشف تاریخ تمدن کهن جهان بودند، به تمام آثار باستانی تمدنهای کهن سر زدند، ویرانه‌ها را کاویدند و تاریخ ملت‌ها را از دل خاک برکشیدند. به دنبال دانشمندان اروپایی، دلان و سودجویان غربی نیز راهی کشورهای باستانی شدند تا با خرید دینه‌های ارزشمند، آنها را به اروپا برده و به موزه‌ها یا اشخاصی که خواهان آن بودند، به بهای گزاف بفروشند. این در حالی است که اغلب کشورهای باستانی هیچ قدر و قیمتی برای آثار باستانی خود نمی‌شناختند حتی حاضر به بازسازی، مرمت و یا حفظ و نگهداری میراث فرهنگی خود نبودند. کاوشهای مهمی که در دوره قاجاریه در ایران انجام گرفته عبارتند از:

- کاوشهای راولینسون - بیستون - ۱۸۳۶ تا ۱۸۴۱ م.
- کاوشهای و - س لوفتوس - شوش - ۱۸۵۱ تا ۱۸۵۴ م.
- کاوشهای آندرئاس و ستولز - تخت جمشید ۱۸۷۸ م.
- کاوشهای دیولافوآ - شوش - ۱۸۸۴ تا ۱۸۹۶ م.
- کاوشهای دمرگان - شوش - ۱۸۹۷ تا ۱۹۱۲ م.
- کاوشهای گوتیه و لامپر - نیه‌موسیان - ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۳ م.
- کاوشهای پومپلی - آنو - ۱۹۰۵ م.
- کاوشهای هر تسفلد - پاسارگاد - ۱۹۰۵ م.

- کاوشهای دمرگان - اطراف تهران - ۱۹۰۹ م.
- کاوشهای دمکنم - شوش - ۱۹۱۲ تا ۱۹۳۹ م.
- کاوشهای بزراد - بندر بوشهر - ۱۹۱۳ م.
- کاوشهای استین - سیستان - ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۶ م.

دریغ و درد که اغلب دینه‌های باستانی ارزشمند و آثار فرهنگی و ادبی ایران از قبیل نسخه‌های خطی و مینیاتور و نقاشی و ... در موزه‌های گوناگون جهان بویژه موزه‌های اروپا پراکنده است. و افسوس که مأموران سیاسی دول بیگانه نیز در کاوشهای غیرقانونی و بی‌جواز دست داشته و در خروج قاچاق آثار باستانی این مرز و بوم کوشیده‌اند. سندی از اواخر دوره قاجاریه، گواه مدعاست:

«سیستان ۲۳ برج قوس ۱۲۹۴ خزانه‌داری کل ایران ۲۵۰۴ نمره

مقام منیع وزارت جلیله مالیه دامت شوکته

با کمال احترام خاطر محترم را مستحضر می‌دارد، چند روز قبل جناب ویس قونسول دولت فحیمه انگلیس و یک کاپیتان به سیستان آمده، مطابق معمول با همه رؤسای ادارات دید و بازدید کرده، از جمله با این بنده هم مرسومات ظاهری به عمل آمده یکی دو روز بعد از ملاقات حرکت کرده و به کوه خواجه که چهار فرسخی و جزو خاک سیستان است تشریف بردند. یک دو روز بعد شهرت کرد که برای در آوردن اشیاء عتیقه به این صفحات آمده و چون در کوه خواجه خیلی چیزهای نفیس خاک است، برای در آوردن آنها حرکت فرموده‌اند. دیروز سه شنبه ۲۱ برج جاری، کدخدا حسین که یکی از مستاجرین املاک است و جدیداً در خیال اجاره کردن یکی دو ده دیگر است، راپورتی به اداره داده که سواد آن را و سواد راپورت کارگزاری را لفاً ملاحظه می‌فرمایند.

عصر قاجاریه در ایران، همزمان بود با عصر تحولات عظیم و شگرف صنعتی، علمی و هنری در اروپا. در همین دوران بود که دانشپژوهان اروپایی پی به ارزش بی‌کران ویرانه‌های باستانی در سراسر این کره خاکی بردند. آنان که به دنبال کشف تاریخ تمدن کهن جهان بودند، به تمام آثار باستانی تمدنهای کهن سر زدند، ویرانه‌ها را کاویدند و تاریخ ملت‌ها را از دل خاک برکشیدند.

اگر چه کارگزاری رسماً جوابی نداده‌اند ولی از قراری که دیشب ۲۲ حضوراً اظهار داشتند مبالغی از مجسمه و اشیاء عتیقه و نفیسه به دست آورده‌اند، راپورتاً به عرض رسانید.

برای دادن اطلاع این قبیل مطالب رمزی تلگرافاً لازم است، مستدعی است مقرر فرمایند رمز اداره ماله را هم برای اداره نیستان بفرستند که در موقع لزوم بتواند مطالب لازمه را به رمز عرضه دارد.

پیشکار ماله [امضاء]

[حاشیه]:

سواد به وزارت امور خارجه و فواید عامه فرستاده شود. در کاغذ وزارت امور خارجه باید نوشته شود که توجه آن وزارتخانه را به این اقدامات بدون این که از مقامات مربوطه کسب اجازه شود جلب می‌نمایم. به وزارت فواید عامه هم نوشته شود که این قسم به وزارت امور خارجه نوشته شده.

۱۹ جدی [امضاء] ۲۸

در دوره پهلوی اول، با ورود اتومبیل به ایران و ساخته شدن جاده‌های اصلی در کشور، همچنین

راه‌اندازی راه‌آهن و ورود هواپیما، کارایرانگردی و جهانگردی شکلی تازه یافت. سازمان اداری کشور که خود را ملتی‌گرا می‌پنداشت، می‌کوشید تا شکوه و عظمت تاریخ ایران باستان را به رخ جهانیان بکشد. برای کشف آثار باستانی از ایرانشناسان و باستان‌شناسان مشهور جهان دعوت شد تا در ایران به عملیات کاوش بپردازند. از مشهورترین خاورشناسانی که در این دوره به ایران آمد، پرفسور هرتسفلد بود که شرح کاوشهای او در کتابهای گوناگون آمده است. سندی که بررسی می‌شود، نشانگر توجه خاص دولت ایران به اوست.

«وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

به تاریخ ۱۱/۸ ماه سنه ۱۳۰۷

نمره ۲۵۹۳/۲۵۶۶۴

وزارت جلیله ماله

چون پروفسور هرتسفلد معلم السنه قدیمه و تاریخ قدیم ایران در ماه فوریه هذّه‌السنه از طریق قصر شیرین به هندوستان مسافرت نموده و در ماه مارس از طریق دزداب مراجعت به ایران خواهد نمود و برای مطالعه آثار عتیقه و حفر امکان آنها به سیستان می‌رود و هیئت وزراء عظام نیز تصویب فرموده‌اند، لذا متمنی است به مأمورین سرحدی قصر شیرین و دزداب دستور فرمایند که در حدود مقررات و امکان از مساعدت و تسهیلات لازمه نسبت به مشارالیه مضایقه نمایند.

[امضاء و مهر]

[حاشیه]:

به عرض رسید ۷/۱۱/۱۴ [۱۳۰]

آقای ناصر

به اداره گمرک توصیه شود. ۷/۱۱/۱۶ [۱۳۰]، ۲۹

در سالهای میانی حکومت پهلوی اول، کشور باستانی ایران مورد توجه سیاحان خارجی قرار

گرفت و با پیشرفت صنعت حمل و نقل در ایران، سیل جهانگردان به سوی کشور سرازیر شد. اگر خوش‌بینانه به قضیه نگریسته شود، باید گفت که کاوشهای انجام شده، سفرنامه‌های فرستادگان سیاسی و نوشته‌های مستشرقان درباره تاریخ و فرهنگ ایران، پیامد تبلیغات و پشتیبانی دولت بود. دستگاه اداری کشور در سال ۱۳۱۳ فعالیتهای ویژه‌ای را به منظور جلب سیاحان به ایران سازماندهی کرد. به چند سند که در پی می‌آید توجه شود:

- سند اول: درخواست وزارت داخله از وزارت ماله برای سهولت روند سیاحت در ایران:

«وزارت داخله

اداره تبلیغات و جلب سیاحان خارجی به

تاریخ ۳۰ ماه ۱۳۱۳/۵

نمره ۲۵۱۸۴

۲۲۴

وزارت جلیله ماله

به طوری که آن وزارت جلیله مستحضر هستند اخیراً نسبت به جلب سیاحان خارجی به مملکت شاهنشاهی از لحاظ اهمیت و فوایدی که حائز است وزارت داخله اقداماتی به عمل آورده و حتی الامکان سعی است که این منظور به نحو مطلوبی اجرا شود. البته تصدیق خواهند فرمود که یکی از مهمترین اقداماتی که لازم است نسبت به این موضوع به عمل آید، اعطای پاره [ای] تسهیلات و معافیهایی نسبت به سیاحان خارجی می‌باشد تا اشخاص مزبور در نتیجه اطمینان از تامین وسایل راحتی خود مسافرت به مملکت شاهنشاهی را کاملاً استقبال نمایند. متأسفانه به طوری که معمول است اعمال پاره [ای] تزییقات که از ناحیه مأمورین گمرک و انحصار تفتیشات مختلفه و طولانی و نیز اداء توضیحات زیادی که باعث معطلی و زحمت مسافرین خواهد بود، نسبت به سیاحان به عمل می‌آید [و این] باعث عدم پیشرفت منظور اصلی بوده و به طور خلاصه تا این قبیل سخت‌گیریها مرتفع نشود هیچ‌گونه

اداره کل گمرکات

به طوری که وزارت جلیله داخله مرقوم می‌دارند نسبت به سیاحانی که از ممالک خارجه به مملکت شاهنشاهی وارد و خارج می‌شوند از لحاظ تفتیشات گمرکی سخت‌گیری و تضيیقاتی به عمل می‌آید که بیشتر موجب معطلی و تعویق حرکت آنها می‌شود. وزارت داخله در موضوع جواز مسافرت سیاحان مزبور با موافقت تشکیلات کل نظمیه مملکتی تسهیلاتی قائل گردیده و حسب الاشعار برای این قبیل سیاحان (جواز مخصوص سیاحان) در نظر گرفته و تهیه نموده‌اند تا سیاحانی که از خارج قصد سیاحت و مسافرت ایران دارند مأمورین وزارت امور خارجه در ممالک مربوطه جوازهای موصوف را به آنها با تشخیصات لازمه تسلیم نمایند. لذا لازم است به مأمورین مربوطه قدغن نمایند نسبت به سیاحان دارنده جوازهای موصوف از نقطه نظر تفتیشات گمرکی تسهیلاتی به عمل آورده و اقدامی نمایند که با در نظر گرفتن مقررات موجبات معطلی سیاحان موصوف را فراهم نساخته و زودتر مشارالیهم راه را بیندازند.

وزارت مالیه [امضاء]

[حاشیه]:

سواد شرح فوق عطف به نمره $\frac{25184}{13/5/30}$ و $\frac{42681}{13/9/13}$ برای اطلاع وزارت جلیله داخله ایفاء و ضمناً زحمت اشعار می‌دارد راجع به قسمت تفتیش اتومبیلها برای مالیات حق‌الثبت که اشعار شده بود این موضوع نیز موجبات معطلی سیاحان را در راه فراهم می‌نموده، چون اساس قانون حق‌الثبت ملفی گردیده ازاین حیث موضوع منتفی و اشکل مرتفع است.

وزارت مالیه [امضاء]

۳۲ «۱۳/۹/۲۹»

کمیسیون مربوطه با حضور آقای پیرزاده نماینده محترم آن وزارت جلیله تشکیل و بالاخره پس از مذاکرات لازمه موافقت شد که مأمورین آن وزارت جلیله از قبیل مأمورین گمرک و تفتیش قاچاق و غیره نسبت به دارندگان «جواز مخصوص سیاحان» که از طرف نمایندگان محترم دولت شاهنشاهی در خارجه به آنها سپرده خواهد شد، تسهیلات مخصوص قائل شده و مأمورین مربوطه تفتیش هم از معاینه و تفتیش اشیاء آنها به عنوان قاچاق توتون و تریاک (مخصوصاً پس از آن که در گمرک سرحدی تفتیش لازم شده است) صرف نظر نمایند. نسبت به توقفهای بیهوده عرض راه نیز که به عنوان تفتیش و معاینه قبوض مالیات و سائط نقلیه پیش می‌آید موافقت شد که آقای پیرزاده با نظر اداره محترم مربوطه پیشنهادی تهیه نمایند دایر به این که به صاحبان و سائط نقلیه که مالیات قانونی را پرداخت نموده‌اند مطابق معمول سایر ممالک خارجه علامت مخصوصی به اتومبیل او نصب شود تا بدین وسیله از زحمت و معطلی بی‌جهت راننده و مسافرین اتومبیل جلوگیری شده باشد. اینک متمنی است مقرر فرمایید با ترتیب مذکوره در فوق هرچه زودتر موافقت به عمل آید تا در نتیجه منظور جلب سیاحان خارجی به ایران به نحوی مطلوب عملی گردد. نمونه جوازهای مخصوص سیاحان نیز بعداً به مقدار کافی ایفاء خواهد گردید که مقرر فرمایند بین مأمورین مربوطه توزیع گردد.

وزیر داخله

محمود جم «۳۱»

- سند سوم: درباره صدور پروانه ویژه برای سیاحان به منظور تسهیل ورود و خروج آنان از مرزهای کشور:

«وزارت مالیه

تاریخ تحریر ۱۳/۹/۲۱ «۱۳»

تاریخ ثبت ۲۲ ماه ۹ سند ۱۳۱۳

پیشرفتی را نسبت به منظور جلب سیاحان خارجی که قطعاً يك قسمت عواید غیرمستقیم مملکت را فراهم می‌سازند نمی‌توان امیدوار بود. استحضاراً زحمت می‌دهد که وزارت داخله مخصوصاً در امر جواز مسافرت که به نوبه خود موجب يك قسمت از اشکالات بود، تسهیلاتی برای سیاحان خارجی قائل گردیده و برای این مقصود با موافقت تشکیلات کل نظمیه جوازهای مخصوصی ترتیب داده است. بنابراین اینک انتظار دارد که وزارت جلیله مالیه نیز در اعطای تسهیلات نسبت به دارندگان جوازهای مربوطه مضایقه نفرموده و به طور کلی درباره انجام منظور اصلی با وزارت داخله توحیدمסاعی فرمایند. چنانچه نیز لازم بدانند ممکن است مقرر فرمایند کمیسیونی نسبت به موضوع مذکور تشکیل و در آنجا به طور کلی این قبیل مسایل حل و تصفیه گردد.

[مهر و امضاء]

[حاشیه]:

شرحی نوشته با تشکیل کمیسیون موافقت نمایند. سروری»^{۳۰}
- سند دوم: نامه‌ای است از محمود جم وزیر داخله به وزارت مالیه درباره نتیجه تشکیل کمیسیون به منظور جلب سیاحان خارجی:

«وزارت داخله

اداره تبلیغات و جلب سیاحان خارجی

مورخه ۱۳ ماه ۱۳۱۳/۹

نمره ج ۴۲۶۸۱/۱۱۱۱

وزارت جلیله مالیه

معطوفاً به مرقومه نمره (۲۹۷۵۶) ۱۳/۸/۸
دایر به تشکیل کمیسیون در خصوص اعطای پاره‌ای امتیازات و تسهیلات درباره سیاحان خارجی زحمت می‌دهد که در موعد مقرر

ارسال نمونه جوازهای ویژه سیاحان:

«وزارت مالیه

اداره کابینه و وزارتی

به تاریخ ۶/ماه/۱۳۱۳

دایره مراسلات

نمره ۴۱۸۴۰

دریغ و درد که اغلب دفینه‌های باستانی ارزشمند و آثار فرهنگی و ادبی ایران از قبیل نسخه‌های خطی و مینیاتور و نقاشی و ... در موزه‌های گوناگون جهان بویژه موزه‌های اروپا پراکنده است.

متحدالمال

اداره....

برای تشویق و تسهیل موجبات مسافرت سیاحان خارجی به مملکت شاهنشاهی از طرف وزارت جلیله داخله با موافقت این وزارتخانه جوازهای مخصوص تهیه گردیده تا وضعیت مسافرین مزبور از سایرین متمایز بوده و مأمورین مربوطه نسبت به دارندگان جواز مزبور رعایت تسهیلات لازم را در حدود مقررات قانون به عمل آورند. اینک به طور نمونه ۳ ورقه از جوازهای ارسالی وزارت جلیله داخله را تلواً ارسال می‌دارد تا مأمورین مربوطه را از مضمون آن مستحضر و مخصوصاً تذکر داده شود که رعایت نکات فوق را بنمایند.

از طرف وزیر مالیه

سروری^{۳۳}

- سند پنجم: جواز مخصوص سیاحان. اصل جواز سبز رنگ است.^{۳۴}

- سند ششم: پشت جواز مخصوص سیاحان^{۳۵}
صنعت سیاحت و جهانگردی رفته رفته بین‌المللی شد و در این زمینه سازمانهای گوناگونی به وجود آمد. در ۲۴ آوریل ۱۹۲۶

قرار داد بین‌المللی اتومبیلرانی توسط کشورهای شرکت کننده در پاریس به امضا رسید که ایران هم یکی از امضا کنندگان قرارداد مزبور بود. از آنجایی که ماده ۹ این قرارداد، کشور امضاکننده را متعهد می‌کرد که نسبت به نصب علائم راه‌نمایی بین‌المللی در جاده‌ها اقدام نماید، وزارت داخله طی نامه‌ای به شماره ۱۳۳۲۳ از وزارت طرق و شوارع [وزارت راه] خواست که نسبت به این امر اقدام نماید:

«وزارت داخله

داره تبلیغات و جلب سیاحان خارجی

نمره عمومی ۱۳۳۲۳

نمره خصوصی ۶۰

تاریخ پاکنویس ۳/۱۲. تاریخ ثبت ۳/۱۴ تاریخ

خروج ۱۳۱۳/۳/۱۴

وزارت جلیله طرق و شوارع

به طوری که آن وزارت جلیله مستحضر هستند قرارداد بین‌المللی اتومبیلرانی مورخه ۲۴ آوریل ۱۹۲۶ منعقد در پاریس با شرکت دو نفر از نمایندگان دولت شاهنشاهی که یکی از آنها نماینده آن وزارت جلیله بوده به امضاء موقت رسیده است.

از لحاظ اهمیتی که این قرارداد برای پیشرفت امور جلب سیاحان خارجی حائز است، وزارت داخله در نظر دارد که موجبات تصویب و مبادله آن را فراهم نماید. در ماده ۹ قرارداد مزبور مقرر شده است که هر یک از دول متقبل می‌شوند مراقبت نمایند که در کنار جاده علائمی نصب شود که در ضمیمه این قرارداد مندرج است.

اینک با ارسال نمونه علائم مذکوره و ترجمه قرارداد توضیحاً اشعار می‌دارد که تا زمانی که کلوب اتومبیلرانی در ایران تشکیل نیافته قاعدتاً مراقبت در نصب علامات مزبور به عهده وزارت جلیله طرق و شوارع خواهد بود. لذا متمنی است موافقت آن وزارت جلیله را نسبت به اجرای آن

مرقوم فرمایید تا اقدامی که لازم است برای تصویب قرارداد به عمل آید. به طوری که اطلاع حاصل است اداره طرق و شوارع از چندین سال قبل به این طرف در یک قسمت عمده خطوط شوسه مملکتی به نصب علائم منضمه اقدام نموده‌اند و چون تا زمانی که قرارداد به تصویب رسیده و مبادله گردد چند ماهی به طول خواهد انجامید، لذا در واقع برای نصب علائم در بقیه خطوط ممکن است از اول سال ۱۳۱۴ اقدام شود. چنان که فوقاً اشاره گردید نظر به این که مبادله قرارداد مذکور موجبات تسهیل کلی برای ورود و خروج سیاحان به مملکت شاهنشاهی فراهم خواهد بود بنابراین وزارت داخله انتظار دارد که آن وزارت جلیله با نصب علائم در طرق شوسه مملکتی که مخارج آن مقدار قابلی نیست موافقت فرموده و از این راه با پیشرفت موضوع جلب سیاحان خارجی به مملکت شاهنشاهی با وزارت داخله توحید مساعی فرمایند.

[امضا] ۳۶

در دوره پهلوی اول و دوم، مجامع مختلف بین‌المللی در جهت امر توسعه و گسترش جهانگردی به وجود آمد و قراردادهای بسیاری با دول بیگانه در زمینه سیاحت و جهانگردی منعقد شد. کانون جهانگردی ایران و سازمان جلب سیاحان از جمله اداراتی است که در ایران تشکیل شد. این سازمانها با هماهنگی نهادهای بین‌المللی سیاحت و جهانگردی، در ایران فعالیت می‌کردند. کانون جهانگردی ایران به بهبود اوضاع ایرانگردان و جهانگردان کمک می‌کرد و با صدور مجزهای از جمله گواهینامه بین‌المللی، کار اتومبیلرانی ایرانگردان و جهانگردان را سامان می‌داد [نگاه کنید به سند های شماره ۱۰ و ۱۱]. سرانجام در سال ۱۳۳۶ خورشیدی هیئت وزیران، اساسنامه شورای عالی جهانگردی را به این شرح تصویب کرد:

«وزارت دارایی

اساسنامه شورای عالی جهانگردی که در جلسه مورخ ۳۶/۱۲/۱۷ هیئت محترم وزیران به تصویب رسیده است:

ماده اول - به منظور تمرکز و توسعه و نظارت در امر جهانگردی و جلب سیاحان و تبلیغات مربوط به آن شورایی به نام شورای عالی جهانگردی به ریاست وزیر کشور مرکب از اعضای اصلی زیر:

۱- معاون ثابت اداری وزارت کشور.

۲- معاون وزارت امور خارجه.

۳- شهردار تهران

۴- معاون وزارت راه.

۵- رئیس اداره کل هواپیمایی کشوری.

۶- معاون شهربانی کل کشور.

۷- مدیر کل گمرک.

۸- مدیر کل انتشارات و رادیو.

۹- دبیر کانون جهانگردی ایران.

۱۰- مدیر کل باستان‌شناسی.

۱۱- سرپرست املاک و مستغلات پهلوی.

۱۲- رئیس اداره جلب سیاحان وزارت کشور.

و نه نفر دیگر که در امر جهانگردی و جلب سیاحان بصیرت و علاقمندی داشته باشند و به نام اعضای انتخابی شناخته می‌شوند در وزارت کشور تشکیل می‌گردد.

تبصره - اعضای انتخابی بنابه پیشنهاد شورای عالی جهانگردی و تصویب هیئت وزیران برای مدت سه سال انتخاب [و] تعیین می‌گردند و پس از اتمام مدت اعضای مذکور قابل انتخاب مجدد خواهند بود.

ماده دوم - شورا دارای دو نایب رئیس خواهد بود که در اولین جلسه فروردین ماه هر سال برای مدت یک سال انتخاب خواهد شد و نیز انتخاب وجود آنان مانعی نخواهد داشت و رئیس اداره جلب سیاحان وزارت کشور دبیر شورا می‌باشد.

ماده سوم - جلسه شورا با حضور ده نفر از اعضای شورا که لااقل پنج نفر از آنها اعضای

اصلی باشد تشکیل می‌گردد و تصمیمات وقتی معتبر است که لااقل پنج نفر از آنها اعضای اصلی باشد تشکیل می‌گردد و تصمیمات وقتی معتبر است که لااقل نصف به علاوه یک نفر از اعضای حاضر به آن رای داده باشند و عضو ماصلی که موضوع مورد تصمیم مرتبط با اداره او بود در جلسه حضور داشته باشد.

ماده چهارم - جلسات شورا حداقل ۱۵ روز یکبار باید تشکیل گردد و حضور تمام اعضای شورا اجباری است مگر باعذر موجه که در این مورد عضو اصلی می‌تواند معاون خود را موقتاً به جانشینی خود کتباً به شورا معرفی نماید مشروط بر آن که اختیارات و امضاء شخص معرفی شده دارای [؟] مان اعتبار عضو اصلی باشد.

تبصره - کسانی که به عضویت انتخابی شورا انتخاب می‌شوند در صورت استعفا یا فوت، جانشین آنها برای مدت باقی مانده تعیین و به هیئت وزیران پیشنهاد خواهد شد و هر عضو انتخابی شورا که سه جلسه متوالی غیبت غیرموجه داشته باشد مستعفی محسوب خواهد شد.

ماده پنج - تصمیمات شورا برای کلیه ادارات و دستگاههای دولتی قابل اجرا است مگر آن که موضوع مستلزم صدور تصویبنامه هیئت دولت یا قانون باشد که در این صورت طرح قانون یا تصویبنامه از طریق وزارت کشور پیشنهاد خواهد شد.

تبصره - دبیرخانه شورا با اداره جلب سیاحان وزارت کشور خواهد بود و اداره مزبور مسئول اجرای تصمیمات شورا می‌باشد.

ماده ششم - شورا می‌تواند در هر موقع که لازم بداند برای یک یا چند جلسه از اشخاص یا نمایندگان ادارات و دستگاههای دوستی برای مشاوره دعوت نماید.

ماده هفتم - آیین‌نامه مربوط به شورا به وسیله شورا تهیه و پس از تصویب وزارت کشور قابل

اجرا خواهد بود.

ماده هشتم - وزارت کشور مأمور اجرای این تصویبنامه می‌باشد و این تصویبنامه جانشین تصویبنامه شماره ۲۶۰۶۵ [مورخ] ۳۳/۱۱/۱۹ خواهد بود. ۲۷

در بررسی تاریخ ایرانگردی دو مشکل عمده خودنمایی میکند که عمدتاً شامل ایرانگردان غربی می‌شود. نخست این که اختلافات فرهنگی از قبیل اختلاف مذهب، زبان، اخلاق، لباس و رفتار اجتماعی گاهی اوقات موجب نابسامانیهایی در روند ایرانگردی شده و حتی گاهی برخوردهایی نیز به وجود آورده است. دوم این که اختلافات سیاسی بین ایران و بعضی دول بیگانه بر روند رشد صنعت سیاحت، تأثیر گذار بوده است. به هر حال هنوز هم جاذبه‌های ایران برای جهانگردان چشمگیر است. تا زندگی در روی این کره خاکی هست، ایران به بعنوان کشوری کهنسال و تاریخی که دارای تمدنی چندین هزار ساله با آثار تاریخی فراوان است، نزد دانش‌دوستان و جهانگردان جستجوگر تاریخ، جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت. اخلاقیات ایرانی از جمله غریب‌نوازی، دست و دل‌بازی، کمک به در راه‌ماندگان، میهمان‌نوازی و آزادگی هنوز پابرجاست. آثار باستانی فراوانی از قبیل تخت جمشید، آرامگاه کوروش، شوش دانیال، عالیقاپوی اصفهان و ... در ویرانه‌های تمدن چند هزار ساله ماندگار است. اماکن مقدسی چون حرم مطهر امام هشتم شیعیان حضرت رضا(ع) در مشهد و مساجد زیبای تاریخی، با ذوق و هنر کاشیکاری ایران و سایر اماکن مقدس تاریخی همینک هم چشم‌نوازند. صنایع دستی مانند قالی‌بافی، گلدوزی، ترمه‌دوزی و ... تاکنون پایدار است. آب و هوای معتدل، چشمه‌ساران دیدنی، مناظر دل‌انگیز، دریاها و شمال و جنوب کشور، دریاچه زیبای ارومیه و ... همه و همه پاینده‌اند و چشمان بیننده را خیره می‌کنند.

بخش دوم: جهانگردان ایرانی

از دیرباز ایرانیان عشق و علاقه خاصی به سیر و سفر و سیاحت داشته‌اند و این نکته در لابه‌لای تاریخ ادبیات این سرزمین موج می‌زند. ولی متأسفانه سفر کردگان، گویا اشتیاق چندانی به سفرنامه‌نویسی نداشته‌اند. پس از ورود اسلام به ایران، دین جدید نیز سیر و سیاحت را به پیروان خود توصیه و تأکید کرد: *قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَ الْأُخْرَى إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* [بگو بگردید در زمین، پس بنگرید چگونه آفرینش آغاز کرد، سپس خدا پدید آورد پیدایش بازپسین را، همانا خدا بر همه چیز است توانا].^{۳۸}

پروفسور پوپ همچنین در نامه‌ای به تاریخ مهر ۱۳۴۴ برای دکتر صدیق نوشت: «... اصفهان مورد عشق مخصوص من است... در آنجا مهمترین کارهای خود را انجام داده و بزرگترین سعادت را درک کرده‌ام... منظور عمده من از انتخاب آخرین منزل در اصفهان این است که به مردم ایران نشان داده شود اندیشمندان بزرگ و هنرمندان و سخنوران و رهبران خلاق و دانشمندان آنها چنان اوصاف و خصائلی دارند که باعث ژرفترین ستایش متفکرین مشابه سایر کشورهاست

پس از اسلام، ایرانیان مسلمان شده مستطیع، طبق دستورات مذهبی بایستی برای زیارت به خانه خدا که در شبه جزیره عربستان واقع است می‌رفتند و عمل مذهبی حج را به جای می‌آوردند. پس از مدتی مسلمانان ایرانی، زیارت مزار پیامبر اسلام را در مدینه و زیارت مزار امامان شیعه در عتبات عالیات را در کربلا و نجف برخورد

فرض دانستند. پس ایرانیان مسلمان، اولین سفرهای برون مرزی خود را به اماکن مقدس مذهبی انجام دادند. البته ناگفته پیداست که دسته‌ای نیز برای کسب علوم دینی، جذب مدارس شهرهای مذهبی خارج از کشور می‌شدند یکی از مشهورترین سفرنامه‌هایی که از این سفرهای مذهبی در دست است سفرنامه حکیم ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی است که به سفرنامه ناصر خسرو معروف است. ناصر خسرو که در بلخ به سال ۳۹۴ هجری قمری زاده شده است در چهل سالگی بر اثر خوابی که می‌بیند تمام مشاغل دیوانی خود را رها کرده و به سفر حج می‌رود. او در سفر هفت ساله خود حجاز، آسیای صغیر، سوریه و مصر را دید. تأثیرپذیری او از این سفر بسی شگفت‌انگیز است. زیرا او که حنفی مذهب بود، در مصر با اسماعیلیان فاطمی روابطی پیدا کرد و پیرو مذهب آنان و از دعای سرسخت اسماعیلیه و «حجت» خراسان شد. سفرنامه ناصر خسرو انشایی بسیار روان و دل‌انگیز دارد و به خاطر اطلاعات دقیق جغرافیایی و تاریخی و اجتماعی سرزمینهای گوناگون، دارای اهمیت بسیار است. از ایرانیانی که به مکه و عتبات عالیات در دوره‌های گوناگون سفر کرده‌اند، سفرنامه‌های بسیاری در دست است که نام بردن تمام آنها مقدور نیست. لیکن چند سفرنامه مشهور از بین آنها انتخاب و معرفی می‌شود:

- سفرنامه عتبات: تألیف محمد ولی میرزا که در اواسط قرن سیزدهم به عتبات رفته بود.
- سفرنامه عتبات: ناصرالدین شاه.
- سفرنامه عضدالملک به عتبات: علیرضا عضدالملک قاجار. ذی‌قعدة ۱۲۸۳ قمری.
- سفرنامه مکه: سفرنامه منظومی است از زوجه میرزا خلیل رقم‌نویس در روزگار صفویه در قالب مثنوی و شامل هزار و سیصد بیت.
- سفرنامه مکه: گزارش سفر ضیاءالدین آل

کیوان قاری است در قرن دوازدهم به مکه. - سفرنامه مکه: یادداشتهای مسافرت حاج میرزا علی‌خان پدر اعتمادالسلطنه است به مکه در عهد قاجار.

- سفرنامه مکه: درباره سفر مکه است از سیف‌الدوله سلطان محمدبن فتحعلی شاه قاجار. - سفرنامه مکه: منظومه‌ای است از مشتری خراسانی در سفرش به مکه.

- سفرنامه مکه: از میرزا محمدعلی فراهانی حسینی در سال ۱۲۶۳ قمری که از بغداد به مکه رفته است.

از جهانگردان نامی دیگر، می‌توان مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی مشهور به سعدی شیرازی را نام برد. او در شیراز به کسب علم پرداخت، سپس به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد. وی طبعی ناآرام داشت و به سیر در آفاق و انفس متمایل بود، از این رو به سفری طولانی پرداخت و در بغداد و شام و حجاز تا شمال آفریقا سیاحت و با طبقات مختلف مردم آمیزش کرد. او از سخن‌سرایان بزرگ ایرانی در قرن هفتم است که شاهکارهای ادبی‌اش «بوستان» و «گلستان» شهرت جهانی دارد. او در گلستان گاه‌گاهی اشاره‌ای به سفرهایش دارد که البته اغلب با مواظ اخلاقی یا پند و اندرز همراه است:

گویا جهانگردان ایرانی ارزش بیشتری برای سفرنامه‌نویسی قایل شده‌اند و این امر از گزارش سفر مأموران سیاسی اعزامی به خارج از کشور شروع شده است.

«از صحبت یاران دمشق ملاتی پدید آمده بود سر در بیابان قدس نهادم و با حیوانات انس گرفتم تا وقتی که اسیر فرنگ شدم. در خندق طرابلس با جهودانم به کار گل بداشتند یکی از

رؤسای حلب که سابقه‌ای میان بود گذر کرد و بشناخت و گفت: ای فلان این چه حالت است؟
گفتم: چه گویم...»^{۳۹}

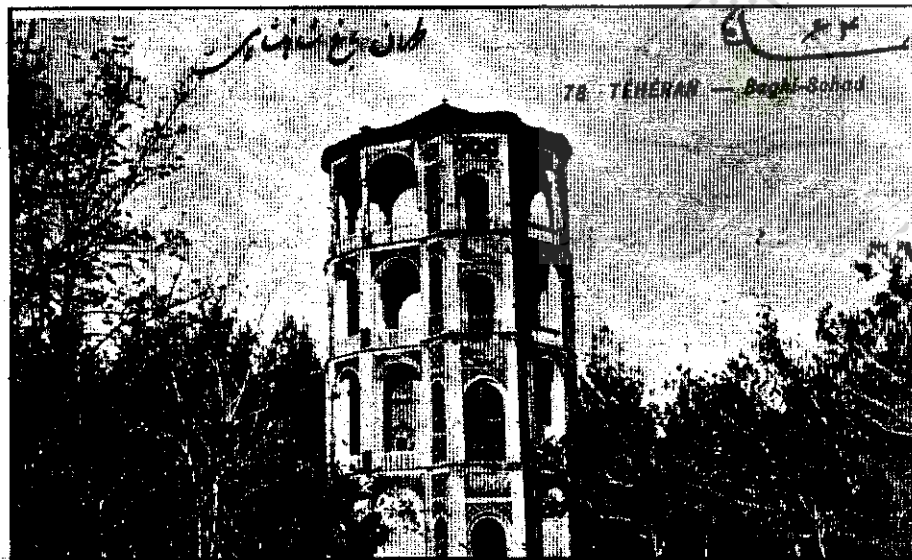
از دوره صفویه سفرنامه‌های در دست است از محمد ربیع بن محمد ابراهیم که در آن شرح سفارت محمد حسین بیگ سفیر شاه سلیمان صفوی را به سیام نگاشته و نام سفرنامه هم سفینه سلیمانی است. این سفر از تاریخ ۱۰۹۴ تا ۱۰۹۸ قمری به طول کشیده و سفرنامه نویسی، بخوبی هر آن چه را که دیده و شنیده، گزارش کرده است. او در بخشی از سفرنامه‌اش درباره ترجمه کردن شاهنامه فردوسی به زبان سیامی می‌نویسد: «...این شاه [سیام] بر خلاف والیان زیر بادات [۹] به تحقیق و تشخیص احوال و ازمان سابقه افتاده و به هر طایفه مقرر کرده که جواهر حکایات و لثالی روایاتی که جوهریان بازار معانی و صیرفان چراسوی فصاحت و سخنرانی به زبان خود در رشته انتظام کشیده به لسان سیامی برند و چون زبان دانان ایشان همگی به الفاظ مهمله متکلم بوده قابلیت نظم و نثر لایقی ندارند لهذا سید درمندی را از مردم خراسان که خالی از کمال نیست مقرر کرده بودند که خلاصه مضامین شاهنامه که در خاطر نشینی مجلس دل، بهتر از صد چنگ و ترانه به قانون پسندیده که مخالف طبع آن بزرگ نبوده جهت استماع و اطلاع گوشه‌نشینان آن مکان نویسد و به عرض آن رساند... به فرموده عمل نموده و چون به جایی می‌رسد که سیاوخش [سیاوش] در حالت تهمت بر صدق مقال خویش قسم به آتش خورده چون بری‌الذمه بوده مانند برق از او گذشته است، می‌گوید که این کتاب شمامست و قسم خوردن او به آتش بر حقیقت این قسم دلیلی است روشن، پس شما چرا از آن ابا کرده‌اید؟ و آن سید دلایلی که اظهر من الشمس و تندتر از شعله سوزان است در جواب مذکور می‌سازد و کمترین به جهت زیادتی ظهور به اظهار آن نپرداخت.»

تا زندگی در روی این کره خاکی هست، ایران به بعنوان کشوری کهنسال و تاریخی که دارای تمدنی چندین هزار ساله با آثار تاریخی فراوان است، نزد دانش‌دوستان و جهانگردان جستجوگر تاریخ، جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت.

سفرنامه موسی بیگ، نخستین سفیر شاه عباس به هلند نیز از سفرنامه‌های دوره صفوی است. در دوره قاجاریه، گویا جهانگردان ایرانی ارزش بیشتری برای سفرنامه نویسی قایل شده‌اند و این امر از گزارش سفر مأموران سیاسی اعزامی

به خارج از کشور شروع شده است. از مشهورترین سفیران ایرانی که در عهد فتحعلی شاه قاجار برای مأموریت سیاسی به خارج از کشور رفته و سفرنامه نوشته‌اند، می‌توان میرزا ابوالحسن خان ایلچی شیرازی را نام برد. او در سال ۱۲۲۴ قمری برابر با ۱۸۰۹ میلادی از سوی دربار ایران مأموریت یافت که برای اجرای مقاصد سیاسی به لندن برود. حیرت‌نامه نام سفرنامه‌ای است که او برای گزارش این سفر

انتخاب کرده و دلیل آن هم حیرتزدگی مؤلف است در برابر دنیای شگفت‌انگیزی که او با آن روبرو شده است. هر چند که بیشتر نوشته‌های او در این کتاب شرح مجالس عیش و نوش و رقص است، ولی نوشته‌های او درباره پیشرفت صنعتی انگلستان به ویژه صنایع اسلحه‌سازی که او از چند کارخانه مربوط به این فن دیدن کرده جالب توجه است: «... به توپ ریزخانه که توپ برنجی و خمپاره، از بزرگ و کوچک می‌سازند رفته، دیدم به آسانی هر چه تمامتر مصالح را آب کرده، در جایی که مثل کوره باشد سر می‌دهند و قالبهای توپ به ترتیب در چاه گذارده نزدیک به سوراخ کوره برده، دوازده توپ، به یک دفعه می‌ریزند ولیکن قدری بلندتر و ضخیمتر از آنچه منظور دارند. بعد از آن چاه بر آورده، بر آتش کلی که در



قالب است، خشک می‌نمایند و بعد از آن بر جرثقیلی که زور شصت رأس اسب [دارد]، با بخار آتش و زور آب، چند چرخ عظیم را می‌گردانند. متعاً آهن در وسط توپ گذارده و به یک آسانی و جلدی توپ را سوراخ و خراطی می‌نمایند و در نهایت پاکیزگی، صاف و پرداخت می‌نمایند.»^{۴۱} ابوالحسن خان شیرازی در سال ۱۲۲۹ قمری برابر با ۱۸۱۴ میلادی سفری هم به روسیه رفت و بر این سفر هم سفرنامه‌ای نگاشت

که بعدها چاپ و منتشر شد.

از جهانگردان مشهور دیگر این دوره که می‌توان گفت بدون مأموریت سیاسی مرزهای ایران را ترک گفته است، میرزا صالح شیرازی نویسنده، روزنامه‌نگار و سیاح ایرانی است. او در سال ۱۲۳۰ قمری برابر با ۱۸۱۵ م. در یک گروه پنج نفری از جوانان ایرانی برای تحصیل به انگلستان رفت و در محرم ۱۲۳۵ برابر با نوامبر ۱۸۱۹ به میهن خود بازگشت. او سفرنامه بسیار جالبی از شرح سفرش به انگلستان از خود به جا گذاشته که می‌توان آن را یکی از بهترین سفرنامه‌های دوران قاجاریه دانست. ضمن عبور از روسیه، تاریخ آن کشور را مورد بررسی قرار داده و اصلاحات پطرکبیر و مؤسسات تمدنی جدید را به خوبی معرفی می‌کند. درباره مدارس، دارالشفای عمومی، کارخانه کشتی‌سازی، جبه‌خانه، قورخانه و تماشاخانه‌های آن دیار نوشته‌های قابل توجهی دارد. همچنین درباره تاریخ پادشاهان انگلیس، نظام حکومتی، آغاز حکومت پارلمانی، قوانین دولتی، دستگاه قضاوت، مالیات، کلیسای کاتولیک و پروتستان، مدرسه طب و جراحی، مدارس آکسفورد و کمبریج، دارالشفای آبله کوبی عمومی، یتیم‌خانه، مدرسه کوران، موزه و کتابخانه لندن، صنعت، تجارت، فلاح، ماهیگیری، کشتی‌سازی، اختراع چراغ گاز، رصدخانه، کشف ینگی دنیا، جنگ استقلال و تشکیل پارلمان در آمریکا نوشته‌های بسیار جالب و قابل اعتنا دارد. به نظر می‌رسد که او سخت شیفته آزادی غرب شده و بدین جهت با حیرت می‌نویسد: «که می‌تواند تصور کند که پرنس ریجنت^{۴۲} که پادشاه این شهر بالفعل است، یعنی به جز تاج پادشاهی که بر سر اوست، همه افعال و احکام ملوکانه او به طریق پادشاه جاری است، کوچک [ای] در آکسفورد استریت بنیاد کرده، به نام نامی خود. یک نفر استاد صنعت کار، مرد فقیری، دکانی دارد، در

میانه کوچه واقع است، مدت شش ماه است که هر چه سعی می‌کنند که دکان او را داخل به کوچه اندازند، قبول نمی‌کند. اگر فرضاً، بالفعل همه سپاه بر سر او جمع شوند، نمی‌توانند به جبر از دست او گیرند. و طرفه این که، پرنس خود نمی‌تواند ذره [ای] به او ضرر مالی و جانی رساند. ولایتی به این امنیت و آزادی که آن را ولایت آزادی می‌نامند و در عین آزادی، به نوعی انتظام پذیرفته که از پادشاه الی گدای کوچک، کلاً موافق نظام ولایتی، مفید هستند...»^{۴۳}

از سفرنامه‌های مشهور دیگر این دوره، سفرنامه خسرو میرزا پسر هفتم عباس میرزا به پترسبورگ است که برای عذرخواهی از مقامات روسی به مناسبت واقعه قتل گریبایدوف در ایران به آن دیار سفر کرده است. این هیأت به سرپرستی خسرو میرزا به همراهی محمدخان زنگنه امیرنظام، میرزاسعود، میرزاصالح، میرزا بابا، سمینو، ماسالو، حسنعلی بیک، میرزا تقی‌خان، میرزاباقر، میرزاجعفر، میرزاآقا، علی اشرف بیک، وفاعلی، میرزامصطفی، درویش علی بیک و عده‌ای خدمتکار در شانزدهم شوال ۱۲۴۴ ق. سفر سیاسی خود را به روسیه آغاز کردند و در سوم رمضان ۱۲۴۵ ق. به میهن بازگشتند. گزارش این سفر را میرزامصطفی افشار (بهاءالملک) منشی میرزاسعود مستوفی نگاشته است. او در مقدمه سفرنامه می‌نویسد: «به خاطر فاتر گذشت که اوضاع این سفر را آنچه دیده و شنیده باشد و به قدر قوه عاجزانه خود دریافت نموده، بدون عبارت آرایبی و طبع آزمایی جهت استحضار طالبان در سلک تحریر و بیان آرد.»^{۴۴} و سپس فصلهای کتاب را این‌گونه مشخص می‌کند: فصل اول: در اوضاع سفر از تبریز الی پترزبورغ. فصل دوم: در احوال ایام توقف پترزبورغ. فصل سوم: در تعداد ولایات روسیه و عده اهالی و اوضاع آنها و چگونگی نشان هر ولایت و اصناف و نوکر و رعیت. فصل چهارم: در کیفیت ولایت روسیه و

عادات و اخلاق آن طایفه. فصل پنجم: در امور دولتی. فصل ششم: در اطوار مراجعت.

فصل سوم سفرنامه او اطلاعات جالبی در مورد وضعیت جغرافیای روسیه و شهرهای گوناگون آن دارد. نام هر ولایت را نوشته و سپس شهرهای حومه آن را نام برده است، مثلاً ذیل ولایت مسکو [مسکو] نوشته: شهر مسکو، زوینی قرار، موزادیسکی، اوزا، ولایات اسکسکی، مرابطاسکی، کلین، ویمطریفاسکی، نوقراد اسکسکی، کلامنسا، سربخوف، پادولاسکی، ویزانا^{۴۵}. همچنین آمار جالبی از روسیه در سال ۱۸۱۲ میلادی به دست می‌دهد به این شرح: اعداد نفری نفوس که در ۱۸۱۲ مسیحیه مشخص کرده‌اند: نو دو یک کرور و چهار صد و شصت هزار

از سنجیدن سفرنامه‌های جهانگردان ایرانی با ایرانگردان فرنگی، در می‌بایم که تحولات صنعتی و روابط سیاسی و اجتماعی، عمده جاذبه‌هایی هستند که چشمان جهانگردان ایرانی را در غرب خیره کرده است. از آن سو، آثار باستانی، معماری، هنرهای گوناگون از قبیل صنایع دستی، کاشیکاری، مینیاتور، خطاطی با روابط عمیق انسانی و عاطفی، میهمان دوستی، گشاده دستی و... جاذبه‌هایی هستند که همواره برای ایرانگردان منصف، شگفت‌انگیز بوده است.

[نفر]. ذکور: چهل و هشت کرور و یکصد و هشتاد هزار. نجای مملکت: دوست و ده هزار. کشیش و رهبان: دوست هزار. تجار: یکصد و نود هزار. صنعتکار: دو کرور. مغزول از خدمت: یک کرور. لشکریان: دو کرور و دوست هزار. رعیت آزاد: دو کرور و سیصد و هشتاد هزار.

رعیت پادشاهی: دوازده کرور. رعیت نجای ملت: بیست کرور و ششصد هزار. اهالی - کنیازفلانت اسکی: دو کرور و دویست هزار. اهالی - مغربی: سیصد هزار، بعد از ممیزی مشخص کرده‌اند هفتصد هزار. اناث: چهل و سه کرور و دویست و هشتاد هزار.

پس ایرانیان مسلمان، اولین سفرهای برون مرزی خود را به اماکن مقدس مذهبی انجام دادند. البته ناگفته پیداست که دسته‌ای نیز برای کسب علوم دینی، جذب مدارس شهرهای مذهبی خارج از کشور می‌شدند یکی از مشهورترین سفرنامه‌هایی که از این سفرهای مذهبی در دست است سفرنامه حکیم ابومعین ناصر بن خسرو قبادیانی بلخی است که به سفرنامه ناصر خسرو معروف است.

سفرنامه‌نویس از کارخانه‌های عظیم صنعتی در روسیه دیدن کرده و با بسیاری از مظاهر تمدن جدید آشنا شده است. او حتی تماشاخانه‌ها و تأثرهای روسیه را دیده و درباره آنها مطلب نوشته است: «از جمله طیاتر [تئاتر] بود که ترجمه آن تماشاخانه است که در کل ولایات حاکم‌نشین روسیه برای تفریح و تعیش اهل مملکت بنا کرده‌اند. در ایام توقف پترزبورگ اکثر شبها نواب شاهزاده به تماشاخانه تشریف می‌بردند و هر تماشاخانه ذکوراً و اناثاً اقلأ پانصد نفر عمله دارد که همه هنرمند صاحب سوادند و در فنون محاوره و رقص و غنا مهارت کامل دارند و برای تربیت آنها مدرسه مخصوص بنا کرده‌اند».^{۴۶}

از سفرنامه‌های دیگر این دوره سفرنامه آجودان‌باشی به اتریش، فرانسه و انگلستان است که به امر فتحعلی شاه قاجار برای اثبات بی‌گناهی

دولت ایران در مورد لشکرکشی به افغانستان صورت گرفته است. این سفر که از روز پنج‌شنبه ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۲۵۴ قمری از تبریز شروع و در روز پنجم شوال ۱۲۵۵ قمری به تبریز ختم شده است، به قلم عبدالفتاح گرمرودی یکی از کاتبان دربار که همراه او بوده نوشته شده است. وی وقایع اتفاقی و ماجرای سفر را روز به روز نوشته و شهرهایی را که دیده‌اند یک‌یک نام برده است.

سفرنامه فرخ‌خان امین‌الدوله که شرح سفارت او به لندن و پاریس در پایان جنگ ایران و انگلیس به سال ۱۸۵۷/۱۸۵۸ میلادی است نیز یکی از سفرنامه‌های این دوره است که به قلم میرزا حسین بن عبدالله منشی امین‌الدوله نگاشته شده است. در پایان این سفرنامه، اطلاعاتی درباره اداره‌ها و مؤسسات ملی فرانسه گردآوری شده است.

حاجی محمدعلی پیرزاده یکی از سیاحان ایرانی است که در سالهای میانی دوران قاجاریه به سفر فرنگ رفته است. او سفر دوم خود را از روز پنجشنبه ۱۵ شعبان ۱۳۰۳ قمری از تهران آغاز و در روز دوشنبه ۲۶ جمادی‌الاول ۱۳۰۶ در اصفهان پایان داده است. او که با دیدگاه مذهبی و اخلاقی خود به روابط اجتماعی غرب می‌نگرد، جز فساد و بی‌بندوباری دستاورد دیگری از آزادی غربی نمی‌یابد: «بیشتر لفظ آزادی که در ممالک اروپا خاصه در پاریس ذکر می‌شود آزادی زنها با مردهاست که هر کس به خیال خودش حرکت کند کسی معترض نشود. حقیقت این آزادی در حقیقت بی‌ناموسی و بی‌عصمتی است که هیچ کس اختیار زن خود را در شهر ندارد. اگر زنی دلش بخواهد با مرد اجنبی حرکت کند آزاد و مختار است. شوهر او نمی‌تواند به او متعرض شود و او را منع نماید چرا که آن زن آزاد است و فرنگستان شهر آزادیست پس معنی آزادی صرف

اختیار زنها در بی‌عصمتی زنها شد و الا در فرنگستان ابداً مردم آزاد و به اختیار خود نیستند.» سفرنامه ابراهیم صحافباشی نیز از مجموعه سفرنامه‌های دوره قاجاریه است که شرح سفر جهانگردی ایرانی است بدون داشتن مأموریت سیاسی. صحافباشی سفر خود را به اروپا و امریکا از دهم ذی‌الحجه سال ۱۳۱۴ قمری از طریق انزلی، آستارا و بادکوبه آغاز کرده، سپس به پتروفسکی رفته و از آن جا با قطار عازم مسکو شده و پس از دو روز اقامت به سوی برلین حرکت کرده، دو روز نیز در این شهر توقف داشته و از آنجا با قطار و کشتی در ۲۲ ذی‌الحجه به لندن رسیده است. پس از دوازده روز اقامت در لندن، به پاریس می‌رود و از آن جا مجدداً به لندن بازگشته و سپس در روز شنبه نهم صفر ۱۳۱۵ ق. با کشتی به نیویورک می‌رود. از امریکا با کشتی به ژاپن رفته و در شانزدهم ربیع‌الاول سال ۱۳۱۵ قمری وارد بندر یوکوهاما می‌شود. از ژاپن به هنگ‌کنگ سفر میکند و از آن جا به سنگاپور و سیلان و هند. او نیز که تحت تأثیر تحولات صنعتی غرب قرار گرفته در گوشه‌ای از سفرنامه‌اش می‌نویسد: «مسافرت در راه آهن آمریکا فرق کلی دارد با مسافرت راه آهن جاهای دیگر. اینها تماماً جغرافی دان هستند، احدی نمی‌پرسد که کجا می‌رود یا نشان بدهد. هر یک کیف نیم‌وزن به دستش، با یک نقشه می‌داند کجا عوض باید نمود و کجا چند دقیقه می‌ایستد، کجا غذا می‌خورد و کجا باید پیاده شد. همین نقشه را به من دادند، زمانی که بلیت راه آهن گرفتم، لکن کوسواد که بفهمد؟ اگر چه چهار کلمه انگلیسی هم نمی‌دانستم خیلی سخت بود. در استاسیونها به فاصله یک دقیقه جماعتی خارج و داخل می‌شوند، احدی نه تعارف می‌کند که جناب‌عالی اول بفرمایید و نه عقب کشش می‌گردد. فقط یک قدم برمی‌دارند. این قدر خط راه آهن در آمریکا

هست مثل تار عنکبوت تمام منظم و همه در کتابچه‌ها نوشته شده است فی الجمله سوادکی لازم است.^{۴۷}

حاجی میرزا محمدعلی سیاح ملقب به «سیاح» یکی از مشهورترین جهانگردان ایرانی است. او در سال ۱۲۵۲ قمری در محلات زاده شده مدتی به سیر و سیاحت در کشورهای و جاهای گوناگون جهان پرداخت. در سفرهای دور و درازش به ملاقات پاپ نهم و گاریبالدی و الکساندر دوم تزار و روسیه نایل آمد. در استانبول با سید جمال‌الدین اسدآبادی متفکر اسلامی ملاقات کرد و از مریدان او شد، سپس به آمریکا، ژاپن و مکه مسافرت کرده به ایران باز آمد و دوباره به چین و هندوستان و آمریکا رفت. او دو سفرنامه دارد، یکی سفرهای داخلی‌اش و آن دیگر سفرهای خارجی را شرح می‌دهد. از ناصرالدین شاه قاجار نیز سفرنامه‌های متعدد داخلی و خارجی در دست است که همه آنها چاپ و منتشر شده‌است. مظفرالدین شاه قاجار هم شرح مسافرت‌های خود به اروپا را یادداشت کرده که آنها نیز به چاپ رسیده‌است.

دوره قاجاریه را می‌توان عصر سفرنامه نویسی ایرانیان دانست. تعداد بسیاری سفرنامه‌های داخلی و خارجی از این دوره در دست است که ذکر نامشان مقدور نیست. تعدادی از این سفرنامه‌ها چاپ و بسیاری هنوز به شکل نسخ خطی باقی مانده است. اعزاز محصل به خارج از کشور، در این دوره به نوبه خود در پیشبرد امر جهانگردی مؤثر واقع شد.

گویا در دوره پهلوی که امر جهانگردی با سهولت بیشتری انجام شد، خاصیت سفرنامه نویسی هم از بین رفت. البته خاطرات بسیاری از رجال و دولتمردان این دوره در دست است که حاوی مطالب درباره سیر و سفر می‌باشد. از جهانگردان مشهور دوره پهلوی، می‌توان از

برادران امیدوار (عیس و عبدالله) نام برد که عنوان «اولین جهانگردان ایرانی» را برای خود برگزیده‌اند. آغاز سفر آنها. سال ۱۳۳۳ خورشیدی بود که ده سال به طول انجامید. آنان طی سفر به پنج قاره جهان، با رؤسای جمهوری، شخصیت‌های مذهبی و افراد سرشناس بین‌المللی دیدار کردند. از سنجیدن سفرنامه‌های جهانگردان ایرانی با ایرانگردان فرنگی، در می‌بایم که تحولات صنعتی و روابط سیاسی و اجتماعی، عمده جاذبه‌هایی هستند که چشمان جهانگردان ایرانی را در غرب خیره کرده‌است. از آن سو، آثار باستانی، معماری، هنرهای گوناگون از قبیل صنایع دستی، کاشیکاری، مینیاتور، خطاطی با روابط عمیق انسانی و عاطفی، میهمان دوستی، گشاده دستی و... جاذبه‌هایی هستند که همواره برای ایرانگردان منصف، شگفت‌انگیز بوده‌است. از میان آنان که به ایران آمده‌اند و از نزدیک با این سرزمین کهنسال آشنا شده‌اند، کسانی عمر خویش را صرف خدمت و معرفی این کشور به جهانیان کرده‌اند. پرفسور ادوارد براون و پرفسور پوپ از این زمره‌اند پرفسور ادوارد براون که سالها زبان پارسی را در لندن تدریس می‌کرد عشق و علاقه خاصی به ایران داشت، بهنگام انقلاب مشروطه ایران در یاری رساندن به آرایخواهان سهمی به سزا داشت. به مناسبت مرگ او، استاد علامه محمد قزوینی نوشت: «فی الواقع وجود مرحوم براون برای ایران یک نعمت خدا داد و گنج باد آورده بود. آخر چه عجبت از این که یک مردی از یک ملتی اجنبی آن هم از اعظم علما و نویسندگان آن ملت در تمام عمر خود طرفداری از ملت و مملکت ما بنماید و محض خاطر ما با ملت و مملکت خودش طرف باشد و بر اعمال آنها انتقاد و اعتراض کند... خدمات علمی و ادبی آن مرحوم را به جرأت می‌توانم سوگند بخورم که مابین جمیع مستشرقین اروپا و آمریکا چه از

گذشتگان و چه از معاصرین مطلقاً و اصلاً و بلا استثناء هیچ کس این همه زحمت در این راه نکشیده‌است و هیچ کس یک عمر تمام را از سن ۱۸ سالگی تا آخرین دقیقه حیات ۶۴ ساله خود بدون سستی و بدون خستگی با تمام قوای معنوی و مادی خود صرف احیای آثار ادبی ایران نکرده‌است و هیچ کس این همه مساعدت مالی و مخارج گراف برای طبع و تصحیح کتب نفیسه فارسی از کیسه شخصی خود به خود هموار ننموده‌است. محبت او به عالم اسلام عموماً و به ایران و ایرانیان خصوصاً بالحققیقه حدی نداشت، و هیچ غرض مادی عملی از قبیل جاه یا مال یا سیاست یا خدمت به وطن خود و امثال ذالک که در آن ملحوظ نبود بلکه جز احساسات قلبی و انجذاب نفسانی یعنی عشق به هر چه خوب و ظریف و جمیل و حق و راست است و تنفر از هر چه عکس آنهاست محمل دیگری نداشت». هم از اینروست که مردم حق شناس ایران، هم‌اکنون

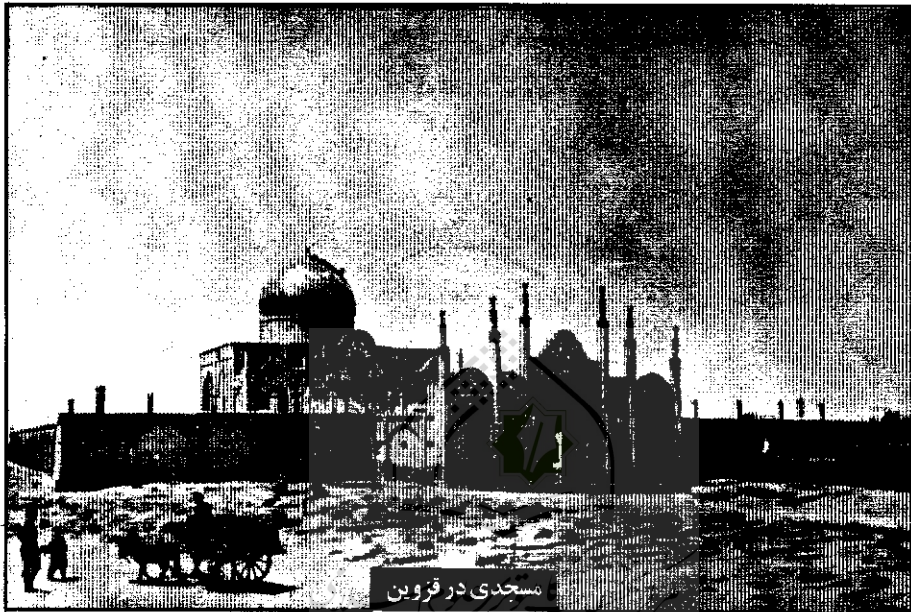
حاجی محمدعلی پیرزاده یکی از سیاحان ایرانیست که در سالهای میانی دوران قاجاریه به سفر فرنگ رفته است. او سفر دوم خود را از روز پنجشنبه ۱۵ شعبان ۱۳۰۳ قمری از تهران آغاز و در روز دوشنبه ۲۶ جمادی‌الاول ۱۳۰۶ در اصفهان پایان داده است. او که با دیدگاه مذهبی و اخلاقی خود به روابط اجتماعی غرب می‌نگرد، جز فساد و بی‌بندوباری دستاورد دیگری از آزادی غربی نمی‌یابد

خیابانی در تهران به نام «خیابان پرفسور ادوارد براون» دارند. پرفسور پوپ نیز از ایرانگردان و

ایران دوستانی است که خدمات ستایش انگیزی به این مرز و بوم روا داشته‌است. او وصیت کرد که پس از مرگ، پیکرش را در اصفهان به خاک سپارند که این چنین نیز شد و مزار او اینک در ساحل زاینده رود، در باغ شهرداری و شرق پل خواجه واقع است. دکتر عیس صدیق دربارهٔ وصیت پرفسور پوپ می‌نویسد: «روز ۱۹

جسدم در ایران به خاک سپرده شود تا آیندگان از ستایش من نسبت به ایران و هنرمندان و متفکرین بزرگی که در دامان خود پرورده‌است مستقیماً و به رأی‌العین آگاه شوند و قدر و مقام این ملت و مملکت را بدانند.»^{۴۸} پرفسور پوپ همچنین در نامه‌ای به تاریخ مهر ۱۳۴۴ برای دکتر صدیق نوشت: «... اصفهان مورد عشق مخصوص من

اردی بهشت هیات نمایندگی ایران از واشنگتن با قطار راه‌آهن به نیویورک بازگشت. در آن جا روزی پرفسور پوپ با تلفون وقت ملاقات خواست و گفت چند دقیقه می‌خواهد مرا تنها ببیند. روز ۲۷ اردی بهشت ماه سه ساعت و نیم پس از نیمروز به مهمانخانه بزرگ شمالی به دیدن من



مسجدی در قزوین

آمد... مختصری از زندگانی خود به ویژه از ۱۳۰۴ که نخستین بار به ایران آمده بود بیان داشت و نتیجه گرفت که در اثر مطالعات و تحقیقات و مشاهدات خود ضمن بیست سفر به ایران ستایش بی حد و عشق بی‌ریا نسبت به ایران پیدا کرده و زیبا دوستی و انسانیت و قدرشناسی ایرانیان چندان او را محسوس کرده که می‌خواهد این ستایش و عشق را در آینده در مردم سایر ممالک نیز ایجاد کند. آنچه تا آن موقع در تألیفاتش نوشته درخور فضلا و دانشمندان است و آنچه در نظر دارد بکند برای جهانگردان و اشخاص عادی است. به دنبال این بیانات گفت: من اکنون در آستانه هشتادمین سال عمر خود قرار دارم و می‌خواهم وصیت کنم. آرزوی من این است که

است... در آن جا مهمترین کارهای خود را انجام داده و بزرگترین سعادت را درک کرده‌ام... منظور عمده من از انتخاب آخرین منزل در اصفهان این است که به مردم ایران نشان داده شود اندیشمندان بزرگ و هنرمندان و سخنوران و رهبران خلاق و دانشمندان آنها چنان اوصاف و خصائلی دارند که باعث ژرفترین ستایش متفکرین مشابه سایر کشورهاست، تا آن جا که می‌خواهند ابراز حق‌گذاری و اخلاص آنها تنها زبانی نباشد بلکه به زواری که از سایر اقطار عالم بدانجا می‌آیند ثابت کنند که اگر کسی در ایران به خاک سپرده شده به این علت نیست که تصادفاً در آن جا جهان را بدرود گفته، بلکه در اثر اعتقاد راسخ به مقدس بودن آن سرزمین است و برای کسانی که به مقام

معنوی ایران پی برده‌اند مزیت و افتخاری است که ایران را آخرین منزل خود قرار داده‌اند تا بدین وسیله ایمان خود را به سرزمین و مردان بزرگی که آن را طی قرن‌ها به وجود آورده‌اند و آینده‌با افتخاری که برای آن پیشگویی می‌کنند ابراز دارند.»^{۴۹}

پانویس‌ها:

- 1- Caterino Zeno.
- 2- Josafat Barbaro.
- 3- ambrosio Contarini.
- 4- Dragon Zeno.
- 5- Despina. او را در ایران «دسپینا خاتون» می‌خواندند.
- 6- Ramusio.
- ۷- سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه دکتر منوچهر امیری، چاپ اول، ۱۳۴۹، انتشارات خوارزمی، ص ۲۱۴.
- ۸- همان جا، ص ۸۱
- ۹- همان جا، ص ۸۲
- ۱۰- همان جا، ص ۱۴۱.
- ۱۱- همان جا، ص ۱۳۸.
- ۱۲- همان جا، ص ۳۸۱ تا ۳۸۷.
- 13- Sir Anthony Jenkinsen.
- 14- Sir Anthoy Sherley.
- ۱۵- مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران، از عهد هخامنشی تا عصر پهلوی. انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰، ص ۶۲.
- ۱۶- همان جا، ص ۸۳
- ۱۷- همان جا، ص ۶۹/۶۸.
- 18- Gaspard Drouville.
- ۱۹- سفر در ایران، گاسپار دروویل، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، چاپ سوم، آذر ۱۳۶۷، شبابوز، ص ۲۰۸.
- ۲۰- سفرنامه بارتز، ستوان آلکس بارتز، ترجمه حسن سلطانی‌فر، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، آذر ۱۳۶۶، ص ۶۱/۶۰.

- ۲۱- همان‌جا، ص ۸۲ تا ۸۴
- ۲۲- سه سال در ایران، دکتر فوریه، ترجمه عباس اقبال، کتابخانه علی اکبر علمی و شرکاء ۱۳۲۶، ص ۲۶۹/۲۶۸
- ۲۳- مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران، از عهد هخامنشی تا عصر پهلوی، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۵۰، ص ۱۵۴
- ۲۴- همان‌جا، ص ۱۵۶
- ۲۵- همان‌جا، ص ۱۷۷
- ۲۶- همان‌جا، ص ۱۷۸
- ۲۷- همان‌جا، ص ۱۸۳/۱۸۲
- ۲۸- [سند شماره ۱]- این سند با شماره ۷۶۸۵-۲۴ در سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود.
- ۲۹- [سند شماره ۲]- این سند با شماره ۵۲۵۱-۲۴ در سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود.
- ۳۰- [سند شماره ۳]- این سند با شماره ۵۳۸۳-۲۴ در سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود.
- ۳۱- [سند شماره ۴]- این سند با شماره ۵۳۸۳-۲۴ در سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود.
- ۳۲- [سند شماره ۵]- این سند با شماره ۵۳۸۳-۲۴ در سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود.
- ۳۳- [سند شماره ۶]- این سند با شماره ۵۳۸۳-۲۴ در سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود.
- ۳۴- [سند شماره ۷]- این سند با شماره ۵۳۸۳-۲۴ در سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود.
- ۳۵- [سند شماره ۸]- این سند با شماره ۵۳۸۳-۲۴ در سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود.
- ۳۶- [سند شماره ۹/۱ و ۹/۲]- این سند با شماره ۵۱۸-۲۹۳ در سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود.
- ۳۷- [سند شماره ۱۲/۲ و ۱۲/۱]- این سند با شماره ۱۴۱۴-۲۴ در اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود.
- ۳۸- قرآن کریم سوره عنکبوت، آیه ۲۰- همین مورد در سوره‌های: انعام، نحل، نمل، آل عمران و روم، آیات: ۱۱، ۳۶، ۶۹، ۱۳۷، ۴۲ دیده می‌شود.
- ۳۹- گلستان سعدی، به تصحیح محمدعلی فروغی، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۲، ص ۷۹
- ۴۰- سیری در سفرنامه‌ها، فواد فاروقی، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۱، نوشته مطبوعاتی عطایی، ص ۱۶۹/۱۶۸
- ۴۱- حیرت نامه، سفرنامه ابوالحسن خان ایلچی به لندن، به کوشش حسن مرسلوند، رسا، ۱۳۶۴ ص ۳۲۷
- 42- Prince Regent شاهزاده نایب‌السلطنه
- ۴۳- مجموعه سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی، به
- تصحیح غلامحسین میرزا صالح، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴، ص ۱۹۳
- ۴۴- سفرنامه خسرو میرزا به پترزبورگ و تاریخ زندگی عباس میرزا نایب‌السلطنه، به کوشش محمد گلبن، کتابخانه مستوفی، ۱۳۴۹، ص ۱۴۳
- ۴۵- همان‌جا، ص ۲۸۵
- ۴۶- همان‌جا، ص ۲۷۸
- ۴۷- سفرنامه ابراهیم صحافی، به اهتمام محمد مشیری، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۵۷، ص ۷۰/۷۱
- ۴۸- یادگار عمر، دکتر عیس صدیق، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳، ج ۳، ص ۳۶۶/۳۶۵
- ۴۹- همان‌جا، ص ۳۶۹

سایر منابع

- ۱- فرهنگ فارسی معین، محمد معین ج ۶/۵ اعلام
- ۲- فرهنگ کتابهای فارسی، محمود مدبری، ج ۱/۱
- ۳- سیری در سفرنامه‌ها، فواد فاروقی
- ۴- فرهنگ تاریخی و جغرافیایی عمید، حسن عمید

در دوره قاجاریه، گویا جهانگردان ایرانی ارزش بیشتری برای سفرنامه‌نویسی قایل شده‌اند و این امر از گزارش سفر مأموران سیاسی اعزامی به خارج از کشور شروع شده است.

پس از ورود اسلام به ایران، دین جدید نیز سبب و سیاحت را به پیروان خود توصیه و تأکید کرد: **قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَ الْأَخْرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** [بگو بگردید در زمین، پس بنگرید چگونه آفرینش آغاز کرد، سپس خدا پدید آورد پیدایش بازپسین را، همانا خدا بر همه چیز است توانا].

۲۱- ل

تاریخ: ۸ شهریور ۱۳۰۷

شماره: ۴۹۹۴ / ۲۵۶۶

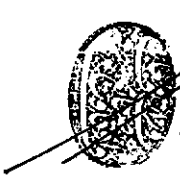
وزارت صنایع معادن



اداره:
ایره:

وزارت معادن

جناب آقای مهندس سید محمد تقی حسینی
معاونت معادن و صنایع معدنی
وزارت معادن
تهران
موضوع: درخواست مجوز استخراج سنگ آهن از معدن سنگ آهن کوه سار
شماره پرونده: ۱۳۰۷ / ۴۹۹۴ / ۲۵۶۶
تاریخ: ۸ شهریور ۱۳۰۷

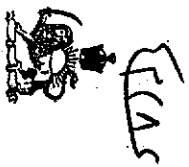


بررسی
۱۳۰۷ / ۲

وزارت معادن و صنایع معدنی
تاریخ: ۸ شهریور ۱۳۰۷
شماره: ۴۹۹۴

معاونت معادن و صنایع معدنی
وزارت معادن
تهران
۱۳۰۷ / ۲

تاریخ: ۱۳۱۴ / ۱۸۴۴ / ۱۸۴۴
شماره: ۱۸۴۴ / ۱۸۴۴



وزارت معادن
اداره کاغذ پیغام وزارت
دایره مواصلات

اناره: ۰۰۰۰۰۰۰۰

برای تشویق و تسهیل موجدات مسافرت سیاحان خارجی به سیاحت با هدف
از طرف وزارت معادن و صنایع معدنی با موافقت این وزارتخانه مجوزهای مخصوص
تهیه گردیده تا وضعیت مسافرتین مزبور از سایرین متمایز گردیده و با موافقت
نسبت بداندگان مجوز ترخیص و اعطای تسهیلات لازمه را در رعد و مقررات قانون
بمحل آورند. اینک بطور نمونه ۳ روزه از مجوزهای ارسال وزارت معادن
داخله را بطور ارسال میدار تا با موافقت مریوطه را از مضمون آن مستحضر
معمودان گردانده شود که رعایت نکات فوق را بنمایند.
از طرف وزارت معادن و صنایع معدنی

معاونت معادن و صنایع معدنی
وزارت معادن
تهران
۱۳۱۴

(استخراج از ماده ۲۰، نظامنامه راجع به ورود و خروج و اقامت اتباع خارجه در ایران)

اتباع خارجه که بتوانند سیاحت با ایران آمده و بیش از در ماه نمانند باید با اولین شهر ورود اظهارنامه بدهند و در شهری نیز ورود خود را در صورتیکه مدت اقامت آنها بیش از چهل و هشت ساعت باشد بنظمیه اطلاع دهند .

این جواز در سه نسخه صادر و به سیاح داده میشود — نسخه اول باید با اولین پست سرحدی — دومی در حین ورود بطهران بمأمورین پلیس — و سومی را در موقع خروج تسلیم مأمورین سرحدی خواهند نمود .

N. B. : 1— Les ressortissants étrangers qui viennent en touristes en Perse et n'y restant pas plus de deux mois, auront dès leur arrivée à présenter une déclaration à la police de la première ville de leur entrée également la police de la localité où ils arrivent si la durée de leur résidence dans chaque ville dépasse de 48 heures.

2— Ce permis est fait en trois exemplaires : le premier doit être délivré à la frontière, la seconde en rentrant à Téhéran et le troisième en quittant la frontière aux autorités de la police.



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی



3eme Exemptate

نسخه سوم

دولت شاهنشاهی ایران

محل صدور

GOUVERNEMENT IMPERIAL DE PERSE

Date

تاریخ

No.

جواز مخصوص سیاحان

نمراه

Permis Special des Touristes

M sujet
titulaire du passeport No. et le visa
No. desire entrer comme touriste en
Perse, les autorités du Gouvernement Imperial
faciliteront les moyens de son voyage.

آقای خانم
دارنده تذکره نمرة و نمبرای نمرة
بقصد سیاحت عازم ایران است مأمورین دولت شاهنشاهی تسهیلات
لازمه را درباره او فراهم خواهند ساخت .
محل انشاء نماینده دولت ایران

کانون جهانگردی ایران
(درخواست جواز بین المللی اتومبیل رانی)

نام خانوادگی اسم
عمل تولد تاریخ تولد
عمل سکونت
شماره وره عضویت کانون جهانگردی ایران مورخه
این جانب دارای تصدیق رانندگی شماره مورخه
از شهرانی است
امضاء کتبه ذیل با استحضار از شرایط مقرر در فرم داد بین المللی اتومبیل ۹۲۶
امضاء امضاء
اینبرقه را امضاء مینامم.

هر تانها کتبه باید :

- ۱ - لاقول دارای تصدیق رانندگی درجه سوم شهرانی باشد .
- ۲ - در قلمه عکس خود را ضمیمه این درخواست نموده بهتر کانون عودت دهند .
- ۳ - پروانه رانندگی صادره از شهرانی را ضمیمه نمایند .

امضاء مهم

TOURING CLUB DE L'IRAN.
DEMANDE DE PERMIS INTERNATIONAL DE CONDUIRE

Nom
Prénoms
Lieu de naissance
Date de naissance
Domicile
Membre du T.C. IR. No
Titulaire du permis de conduire No daté
de la police de

Le soussigné après avoir pris connaissance des conditions fixées
par la Convention de 1926 certifie que les dites conditions sont remplies.

Le 193
(Signature)

AVIS IMPORTANT.

Chaque conducteur doit :-

- 1) Posséder au moins un permis de conduire de troisième degré de la police à joindre à la présente.
- 2) Joindre deux photographies.

نوع مسوده
 موضوع مسوده
 ضمیمه
 یا کلوئیس کنندمه



وزارت داخله

اداره بلیقا و طبیب سیاهان
 دایره شعبه

نمره عمومی ۱۳۴۴۲
 نمره خصوصی ۹
 کارتن
 دوسیه

تاریخ یا کلوئیس ۲۵/۱۳/۱۳۱۳ ماه تاریخ ثبت نم ۱۳ ماه تاریخ تحریر ماه تاریخ خرد ۱۳۱۳ ماه ۱۳۱۳

وزارت جلایه طرق و شرکات

بلوریکه ارز ارز بلایه شرفه بندنه وارداد بنی ۸۸۸ آره برلنی مرضه ۲۴ آوریه ۱۹۲۵
 ششمه در پارلیمنته با حرکت و نفر از نمایندگان ولت سانه شماره ۵۵ کی از آنها
 نمایند ارز ارز بلایه به با مضاه موقت ریه است از لحاظ اهریه رینه وارداد برک
 هرفه لمر طبیب سیاهان خارجاً تراست وزارت داخله رنظر وارداد در حیات
 تصویب و بیدار لرا فرام نماید در ماده ۹ وارداد زیر توشه است
 از حال تبعه پیشینه مراقبه نمایندگن رجانه علمه نصب شوه رضیه لرا
 مندرج است اینک با ارسال نمونه علمه مذکور و ترجمه وارداد کریمه انعام
 تا زمانیکه کلوب آره بهر در ایران لکن نیافته قاعده تا مراقبه در نصب
 وزارت جلایه طرق و شرکات
 علامات زیرین بهر "وزارت جلایه" خوله بود لکن لذا تمناست مراقبت
 آرزو ارز بلایه را نسبت با جواسن رقوم خیه تا آدرس لازم است



وزارت داخله

نوع مسوده
 موضوع مسوده
 ضمیمه
 یا کنویس کننده

نمره عمومی
 نمره خصوصی
 کارتن
 دوسیه

تاریخ یا کنویس ماه تاریخ ثبت ماه تاریخ تحریر ماه تاریخ خروج ماه ۱۳۱۱

براساس تعریب وارد در بهر کرایه بطریق اطلالی عام است ادارات و مراجع
 از چندین سال قبل با نظرف در کیفیت عمره خطوط شوشه بکلیت بنصب
 علامت نغمه آدام منع پذیر چون تا زمانیکه وارد در تبصره بره و مبارک کوه
 چند ماه بطول فوله انجا میگذارد و اتبع براساس نصب علامت در بقعه خطوط انجا
 از اول سال ۱۳۱۴ آدام شوشه چنانکه فوه اشک لیدر چیت مبارک وارد بلاد
 مذکور مرجع است که کل براساس ورود و خروج سیاحان به بکلیت شوشه و انجا اولی بنصب
 وزارت داخله انتظار دارد که از ارتقاء بانصب علامت در طرق شوشه بکلیت در خارج آن
 تقارن قابله نیست مرا تقبیل فرموده و از این راه با مرفوع جلب سیاحان خارج
 به بکلیت شوشه است و امید است که در این باره اقدامات لازم
 ۳/۱۲

۱۰۹



وزارت دارائی

تاریخ ۱۳۳۰

شماره

پیوست

اساسنامه شورای عالی جهانگردی که در جلسه مورخ ۱۷/۱۱/۳۶ هیئت محترم وزیران بت. وب رسیده است:

ماده ماول - بمنظور تمرکز توسعه و نظارت در امر جهانگردی و جلب سیاحان و تبلیغات مربوط بان شورائی بنام شورای عالی جهانگردی بریاست وزیر کشور مرتب از اعضای اصلی زیر:

۱- معاون ثابت اداری وزارت کشور

۲- معاون وزارت امور خارجه

۳- شهردار تهران

۴- معاون وزارت راه

۵- رئیس راد اره کل هواپیمائی کشوری

۶- معاون شهرداری کل کشور

۷- مدیرکل مرگ

۸- مدیرکل انتشارات و رادیو

۹- دبیرانئون جهانگردی ایران

۱۰- مدیرکل باستان شناسی

۱۱- سرپرست املاک و مستغلات پهلوی

۱۲- رئیس راد اره جلب سیاحان وزارت کشور

و نه نفر دیگر که در امر جهانگردی و جلب سیاحان بحیثیت و علاقمندی داشته باشند و بنام اعضای انتخابی شناخته میشوند در وزارت کشور تشکیل میگردد.

تبصره - اعضای انتخابی بنا بپیشنهاد شورای عالی جهانگردی و بت. وب هیئت وزیران برای مدت سه سال انتخاب تعیین میگردد و سرازاتمام مدت اعضای مذکور قابل انتخاب مجدد خواهند بود.

ماده دوم - شورای دارای دو نایب رئیس خواهند بود که در اولین جلسه فروردین ماه هر سال برای مدت یکسال انتخاب خواهند شد و نیز از انتخاب مجدد آنان مانعی نخواهد داشت و رئیس راد اره جلب سیاحان وزارت کشور دبیر شورا میباشد.

ماده سوم - جلسه شورا با حضور نفرات اعضای شورا که لااقل پنج نفر از آنها اعضای اصلی باشد تشکیل میگردد و تصمیمات وقتی معتبر است که لااقل نصف بعلاوه یک نفر از اعضای حاضران رای داده باشند وعضو اصلی که موضوع مورد تصمیم مرتبط با اندازه او بود در جلسه حضور داشته باشد.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



تاریخ ۱۳۳

شماره

پیوست

وزارت دارائی

- ۲ -

ماده چهارم - جلسات شورا حداقل ۵ روز یکبار باید تسهیل گردد و حضور تمام اعضای شورا اجباری است مریاعد روجه کند رای نمود و عواصلی میتواند معاون خود را موقتاً بجانشینی خود کتبا بشورا معرفی نماید مشروط بر آنکه اختیارات و امضاء شخص معرفی شده دارای همان اعتبار عواصلی باشد .

تبصره - کسانیکه بعصویت انتخابین شورا انتخاب میشوند در صورت استعفا یا فوت جانشین آنها برای مدت باقیمانده تعیین و بهیئت وزیران پیشنهاد خواهد شد و در عرض انتخابات شورا که سه جلسه متوالی غیبت غیر موجه داشته باشد مستعفی محسوب خواهند شد .

ماده پنجم - تصمیمات شورا برای کلیه ادارات و بنگاههای دولتی قابل اجرا است مگر آنکه موضوع مستلزم صدور تصویبنامه هیئت دولت یا قانون باشد که در اینصورت طرح قانون یا تصویبنامه از طریق وزارت کشور پیشنهاد خواهد شد .

تبصره - دبیرخانه شورا با اداره جلب سیاحان وزارت کشور خواهد بود و اداره منور مسئول اجرای تصمیمات شورا میباشد .

ماده هشتم - شورا میتواند در هر موقع که لازم بداند برای بند یا چند جلسه از اشخاص یا نمایندگان ادارات و بنگاههای دولتی برای مشاوره دعوت نماید .

ماده نهم - آئیننامه مشروط بشورا وسیله شورا تهیه و سر از تصویب وزارت کشور قابل اجرا خواهد بود .

ماده هشتم - وزارت نامورا اجرای این تصویبنامه میباشد و این تصویبنامه جانشین تصویبنامه شماره ۲۶۰۶۵ / ۱۱ / ۳۳ خواهد بود .



Tresorerie Generale de Perse

خزانه داری کل ایران

Ind. N° ۴۰۵۰۳۰۰۰۰۰

Annexe

Téhéran, le ۲۳ شهریور ۱۳۲۴

وردو بکایتہ وزارت مالیت

تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۲۴

نمبر ۲۹۱۷۱

مقامات شایسته وزارت معین

باجتہ تمام خاطرہم دستخط نمود چند روز قبل در تاریخ غیر یک لایحه ای به هیئت مدیران سید امیر آقا سردار ادراس
 کلمه از جمله این جناب امورات خاطر خبر آمد که در روز بعد از مدت حرکت کعبه بکوه فوج که چهار فرسخ جز خاک نیست است
 ترفیع بودند یک روز بعد اثر کرد که در روز بعد از این حقیقت این صفت کس در کوه فوج شیخ خیرآقا غیر خاک است بل
 در آردنی آنها حرکت فرمودند دوازده شب ۲۱ بجای که در کوه فوج است و در آنجا در شب نیز املاک است و در آنجا در شب کوهی یا کوه
 دیگر است و در آنجا با داره حکم که در روز بعد از این حقیقت این صفت کس در کوه فوج است و در آنجا در شب کوهی یا کوه
 اگر چه لاگن در آنجا در شب کوهی یا کوه دیگر است و در آنجا در شب کوهی یا کوه دیگر است و در آنجا در شب کوهی یا کوه
 در روز بعد از این حقیقت این صفت کس در کوه فوج است و در آنجا در شب کوهی یا کوه دیگر است و در آنجا در شب کوهی یا کوه
 در روز بعد از این حقیقت این صفت کس در کوه فوج است و در آنجا در شب کوهی یا کوه دیگر است و در آنجا در شب کوهی یا کوه

بل در دادن اطلاع این قسیر سلب در غیر آن لازم است سعادت توفیق نیند در روز دوازدهم برادر دوازدهم هیئت مدیران
 که در موقع لزوم جولان سلب لازم در بر طرف دارد -

مستند است
 تاریخ
 شماره

در کافه دندانت امروزه در فوج
 در کافه دندانت امروزه در فوج
 در کافه دندانت امروزه در فوج
 در کافه دندانت امروزه در فوج
 در کافه دندانت امروزه در فوج
 در کافه دندانت امروزه در فوج



وزارت واخل

اداره تبلیغات و جلب سیاحان خارجی
دایره

وزارت واخل
۱۳۰۵/۵
۱۹۷۰

تاریخ ماه ۵۰ / ۱۳۱
نمره ۲۵۱۸۴ ضمیمه
۲۲۶

وزارت جلیله مالیه

بطوریکه آن وزارت جلیله مستحضر هستند اخیرا نسبت به جلب سیاحان خارجی بملکت شاهنشاهی از لحاظ اهمیت و فوائدی راکه حائز است وزارت داخله اقداماتی بعمل آورده و حتی الامکان سعی است که این منظور منحصرا مطلوبی اجرا شود . البته تعدیت و تعدیل خواهند فرمود که یکی از مهمترین اقداماتی که لازم است نسبت باین موضوع بعمل آید اعطای پاره تسهیلات و معافیت‌های نسبت سیاحان خارجی میباشد تا اشخاص مزبور در نتیجه اطمینان از تامین مسائل راحتی خود مسافرت بملکت شاهنشاهی را کاملا استقبال نمایند متاسفانه بطوریکه معمول است اعمال پاره تفضیلات که از ناحیه مامورین کمرب و انحصار تشیبات مختلفه و طولانی و نیز ادای توضیحات زیادی که باعث معطلی و زحمت مسافرن خواهد بود نسبت سیاحان بعمل میآید باعث عدم پیشرفت منظور اصلی بوده و بطور خلاصه تا این قبیل سخت گیریها مرتفع نشود هیچگونه پیشرفتی را نسبت بمنظور جلب سیاحان خارجی که قطعا یکتسمت فوائد غیر مستقیم مملکت را فراهم میسازند نمیتوان امید واریود - استحضار از محبت میدهند که وزارت داخله منصوصا در امر جواز مسافرت که بنوبه خود موجب یکتسمت از اشکالات بود تسهیلاتی برای سیاحان خارجی قائل گردید و برای این مقصود با موافقت تشکیلات کل نظامه جوازهای مخصوص ترتیب داده است . بنابراین اینک انتظار دارد که وزارت جلیله مالیه نیز در راه‌های تشهیلات نسبت به دارندگان جوازهای مربوطه اقدام فرموده و بازرگانی دربارہ انجلم منظور اصلی با وزارت داخله توحید مساعی فرمایند . چنانچه نیز لازم بداند ممکن است مقرر فرمایند کمیسیونی نسبت بموضوع مذکور تشکیل و در آنجا بطور کلی این قبیل مسائل حل و تفهید گردد

۷۱۷
شخص نوشته ، بنگل مسکین سرافقت نامه سرور



وزارت داخلہ

ادارہ پبلیک ریلوے

نمبر ۲۶۸۱/۲

وزارت پبلک

مطوقاً برقمہ نمبر (۲۹۷۵۶) ۱۳۸۸۸ دار بیل کیون مخصوص عظامی پارہ تجارت تہنات دربارہ سیان حاجی

نہت میدہ کہ دروہ مکرہ کیون بوطہ با حضور آقای پرزادہ نمایندہ محترم وزارت پبلک سیان بلاخرہ پین ازہا کرت لازم ہوتے

کہ نامورین وزارت پبلک پبل نامورین مگر نشین قاجاق غیر نسبت بازگان جو مخصوص تان کہ از طرف نامندگان

مترم دولت شائہای در خارجہ آہنا سپردہ خواہند تہنات مخصوص فائل شدہ نامورین بوطہ نشین ہم از مینہ نشین شائہای

قاجاق توتون تریاک (مخصوصاً پین از کہ در مگر نشین لازم ہوتے) صرف نظر نمایندہ تہ توشہای سپردہ عرض راہ نمز

کہ نمینہ نشین معاینہ قبض ہات سائٹ شائہای پین از موافقت شد کہ آقای پرزادہ با نظر ادارہ محترم بوطہ شائہای تہ نمایندہ از مینہ

حاجان سائٹ علیہ کہ ہات قانونی راپر اہت نمودہ از مطابقی معمول سایر ممالک خارجہ علامت مخصوصی تا پوسل نصب شود نامورین

بصان و لٹ علیہ کہ ہات قانونی راپر اہت نمودہ از مطابقی معمول سایر ممالک خارجہ علامت مخصوصی تا پوسل نصب شود نامورین

از رخت متعلی بہت رانندہ و مسافرن پوسل جلوکیری شدہ باشد ایک تہنہ متقرر نمایندہ بارت مکرہ در فوق پور زودتر

موافقت لعل آیتا در شجرہ منظر جلب سیان خارجی باران نجومی مطلوب علی گردد نموزہ خوار نامی مخصوص سیان نیز بعداً بمقدار کافی

۹/۱۴
۱۳۱۳
۱۳۱۳

بابت
۱۳۱۳
۱۳۱۳

وزارت داخلہ
۱۳۱۳
۱۳۱۳

نمایندہ
موجود

نوع مسوده
موضوع مسوده
ضمیمه
مستول یا کتویس



وزارت مایه

اداره

نمره عمومی ۳۶۵۴۳
نمره مخصوصه
کارتی ۵۰۲۱۲
توسیه

تاریخ یا کتویس: تاریخ ثبت: ۲۳ ماه ۹ سال ۱۳۱۳
دایره: ماه: شعبه:

۲۲
۹
اداره امور کلمات
بطلان که وزارت جدید داخله در مقام سیدان ثبت سیاسی که از بانک خارج بکلیت بانه بطلان
و خارج نیز از راه تفتیش که گواهی گرفته اند و تقصیرات بصری که بیشتر بوجه سطلی و تقوی
آنها میرسد دولت داخله در این خصوص سیدان بطلان بزرگوار است بکلیت سطلی که سیدان
بطلان کرده و بجهت اعلام بر این بصری سیدان (جز در خصوص) در نظر گرفته و باید نمودند تا یکی
در خارج بکلیت سطلی که وزارت ایران دارند بطلان وزارت امور خارجیه در بانک اوله در این
بروز را بانه بکلیت سطلی که آتیع بانه لذا لازم است بطلان اوله سطلی تا سیدان
ثبت بکلیت در این وزارت که در نظر تفتیش که گواهی سطلی که بطلان کرده و در این
که بطلان سطلی که وزارت بجهت سطلی سیدان بطلان اوله در این وزارت که بطلان کرده

راه بندارند

وزارت مایه

سازش و تفتیش
۱۳۰۵/۲۳
۱۳۰۹/۱۴
بطلان سطلی وزارت جدید داخله انبار در
بطلان سطلی وزارت بجهت تفتیش که بطلان سطلی که بطلان سطلی که
بطلان سطلی وزارت سطلی سیدان در راه وزارت بطلان سطلی که بطلان سطلی که
در این سطلی بطلان سطلی در سطلی سطلی است